

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامعه الزهرا (سلام الله عليها) قم

# جزوه درس «مغالطات»

همراه با سؤالات کمکی

گروه کلام اسلامی / سطح ۳

پائیز ۱۳۹۳

ع. بختیاروند

ترتیب و دسته بندی جزوه بر اساس کتاب «مغالطات» آقای خندان می باشد.

در برخی مثال ها و مطالب، دخل و تصرف صورت گرفته شده است.

برخی پاروقی ها و سؤالات پایانی برگرفته از کتاب منطق پیشرفته (بخش مغالطات) از آقای سلیمانی می باشد.

این جزوه، اثر علمی نبوده و تنها برای آمادگی بیشتر طلاب و دانشجویان با مباحث عمومی و مثال های مغالطات تهیه شده است.

## فهرست

|    |   |
|----|---|
| ۶  | تعریف مغالطه.....                                 |
| ۶  | فصل اول: تبیین های مغالطی.....                    |
| ۷  | ۱. مغالطه اشتراک لفظ.....                         |
| ۸  | ۲. مغالطه ابهام ساختاری.....                      |
| ۹  | ۳. مغالطه ترکیب مفصل.....                         |
| ۹  | ۴. مغالطه تفصیل مرکب.....                         |
| ۹  | ۵. مغالطه واژه های مبهم.....                      |
| ۱۰ | ۶. مغالطه گزاره های بدون سور.....                 |
| ۱۱ | ۷. مغالطه سورهای کلی نما.....                     |
| ۱۱ | ۸. مغالطه تعریف دوری.....                         |
| ۱۲ | ۹. مغالطه کنه و وجه.....                          |
| ۱۳ | ۱۰. مغالطه علت جعلی.....                          |
| ۱۴ | ۱۱. مغالطه بزرگ نمائی.....                        |
| ۱۵ | ۱۲. مغالطه کوچک نمائی.....                        |
| ۱۵ | ۱۳. مغالطات آماری (۱): متوسط.....                 |
| ۱۶ | ۱۴. مغالطات آماری (۲): نمودارهای گمراه کننده..... |
| ۱۷ | ۱۵. مغالطات آماری (۳): تصاویر یک بعدی.....        |
| ۱۷ | ۱۶. مغالطه دروغ.....                              |
| ۱۸ | ۱۷. مغالطه توریه.....                             |
| ۱۸ | ۱۸. مغالطه نقل قول ناقص.....                      |
| ۱۸ | ۱۹. مغالطه تحریف.....                             |
| ۱۸ | ۲۰. مغالطه تفسیر نادرست.....                      |
| ۱۹ | ۲۱. مغالطه تأکید لفظی.....                        |
| ۲۰ | فصل دوم: ادعای بدون استدلال.....                  |
| ۲۰ | ۱. مغالطه بستن راه استدلال.....                   |
| ۲۰ | ۲. مغالطه هر بچه مدرسه ای می داند.....            |

۳. مغالطه مسموم کردن چاه..... ۲۰
۴. مغالطه تله گذاری..... ۲۱
۵. مغالطه توسل به جهل..... ۲۱
۶. مغالطه طلب برهان از مخالفان..... ۲۱
- انواع آن..... ۲۲
۷. مغالطه طرد شقوق دیگر..... ۲۲
۸. مغالطه تکرار..... ۲۲
۹. مغالطه فضل فروشی..... ۲۳
۱۰. مغالطه کمیت گرایی..... ۲۳
۱۱. مغالطه بار ارزشی کلمات..... ۲۳
۱۲. مغالطه توسل به احساسات..... ۲۴
۱۳. مغالطه تهدید..... ۲۴
۱۴. مغالطه تطمیع..... ۲۴
۱۵. مغالطه جلب ترحم..... ۲۵
۱۶. مغالطه آرزو اندیشی..... ۲۵
۱۷. مغالطه عوام فریبی..... ۲۵
۱۸. مغالطه توسل به مرجع کاذب..... ۲۶
۱۹. مغالطه تجسیم..... ۲۶
- فصل سوم: مغالطات مقام نقد..... ۲۷
۱. مغالطه پارازیت..... ۲۷
۲. مغالطه حرف شما مبهم است..... ۲۷
۳. مغالطه تکذیب..... ۲۷
۴. مغالطه این که چیزی نیست..... ۲۸
۵. مغالطه اینکه مغالطه است..... ۲۸
۶. مغالطه انگیزه و انگیزته..... ۲۸
۷. مغالطه توهین..... ۲۹
۸. مغالطه منشأ..... ۲۹

|    |   |
|----|---|
| ۴  | ..... جزوه درس مغالطات                              |
| ۲۹ | ..... ۹. مغالطه پهلوان پنبه                         |
| ۳۰ | ..... ۱۰. مغالطه کامل نامیسر                        |
| ۳۰ | ..... ۱۱. مغالطه ارزیابی یک طرفه                    |
| ۳۱ | ..... ۱۲. مغالطه خلط علت و دلیل                     |
| ۳۱ | ..... ۱۳. مغالطه رد دلیل به جای رد مدعا             |
| ۳۲ | ..... ۱۴. مغالطه مناقشه در مثال                     |
| ۳۲ | ..... ۱۵. مغالطه تخصیص                              |
| ۳۳ | ..... ۱۶. مغالطه بهانه                              |
| ۳۳ | ..... ۱۷. مغالطه سؤال مرکب                          |
| ۳۴ | ..... فصل چهارم: مغالطات مقام دفاع                  |
| ۳۴ | ..... ۱. مغالطه نکته انحرافی                        |
| ۳۴ | ..... ۲. مغالطه شوخی بی ربط                         |
| ۳۵ | ..... ۳. مغالطه توسل به واژه های مبهم               |
| ۳۵ | ..... ۴. مغالطه توسل به معنای تحت اللفظی            |
| ۳۵ | ..... ۵. مغالطه تغییر تعریف                         |
| ۳۶ | ..... ۶. مغالطه تغییر موضع                          |
| ۳۶ | ..... ۷. مغالطه استثنای قابل چشم پوشی               |
| ۳۶ | ..... ۸. مغالطه خودت هم                             |
| ۳۷ | ..... ۹. مغالطه تبعیض طلبی                          |
| ۳۷ | ..... ۱۰. مغالطه رها نکردن پیش فرض                  |
| ۳۸ | ..... ۱۱. مغالطه البته، اما                         |
| ۳۸ | ..... فصل پنجم: مغالطه در استدلال (۱)؛ مغالطات صوری |
| ۳۹ | ..... ۱. مغالطه عدم تکرار حد وسط                    |
| ۴۰ | ..... ۲. مغالطه وضع تالی                            |
| ۴۱ | ..... ۳. مغالطه رفع مقدم                            |
| ۴۲ | ..... ۴. مغالطه مقدمات منفی                         |
| ۴۲ | ..... ۶. مغالطه مقدمات ناسازگار (متناقض)            |

|    |   |
|----|---|
| ۵  | ..... جزوه درس مغالطات  |
| ۴۳ | ..... ۶. مغالطه افراد غیر موجود   |
| ۴۳ | ..... ۷. مغالطه ایهام انعکاس  |
| ۴۳ | ..... ۸. مغالطه سوء تألیف   |
| ۴۴ | ..... فصل ششم: مغالطه در استدلال (۲)؛ مغالطات ناشی از یک پیش فرض نادرست |
| ۴۴ | ..... ۱. مغالطه سنت گرائی   |
| ۴۴ | ..... ۲. مغالطه عدم سابقه   |
| ۴۵ | ..... ۳. مغالطه تجدد  |
| ۴۵ | ..... ۴. مغالطه سنت گریزی   |
| ۴۶ | ..... ۵. مغالطه برتری فقر   |
| ۴۶ | ..... ۶. مغالطه برتری ثروت  |
| ۴۶ | ..... ۷. مغالطه توسل به اکثریت  |
| ۴۷ | ..... ۸. مغالطه علت شمردن امر مقدم                                      |
| ۴۷ | ..... ۹. مغالطه علت شمردن امر مقارن                                     |
| ۴۷ | ..... ۱۰. مغالطه ترکیب  |
| ۴۸ | ..... ۱۱. مغالطه تقسیم  |
| ۴۸ | ..... ۱۲. مغالطه میانه روی  |
| ۴۹ | ..... ۱۳. مغالطه قماربازان  |
| ۵۰ | ..... فصل هفتم: مغالطه در استدلال (۳)؛ مغالطات ربطی                     |
| ۵۰ | ..... ۱. مغالطه قیاس مضمّر مردود  |
| ۵۰ | ..... ۲. مغالطه یا این یا آن  |
| ۵۱ | ..... ۳. مغالطه ذوالحدین جعلی   |
| ۵۲ | ..... ۴. مغالطه خلط نسبت  |
| ۵۳ | ..... ۵. مغالطه دلیل نامربوط  |
| ۵۴ | ..... ۶. مغالطه مصادره به مطلوب   |
| ۵۵ | ..... ۷. مغالطه استدلال دوری  |
| ۵۵ | ..... ۸. مغالطه تعمیم شتاب زده  |
| ۵۶ | ..... ۹. مغالطه آماری (۴)؛ نمونه ناکافی                                 |

۱۰. مغالطه آماری (۵)؛ نمونه غیر تصادفی..... ۵۶

۱۱. مغالطه آماری (۶)؛ عدم واقع نمائی نمونه ها..... ۵۷

۱۲. مغالطه تمثیل..... ۵۷

تمرین..... ۵۸

### تعریف مغالطه

تعریف دیگر: مغالطه قیاس فاسدی است که منتج به نتیجه صحیح نباشد و فساد آن یا از جهت ماده است یا صورت و یا هر دو.

### سخن ابن رشد....

همانطور که برخی واقعا عابد هستند و برخی عابدنما (که در واقع اهل ریا و خودنمائی اند) و همانطور که برخی طلا و نقره ها واقعی هستند و چیزهائی وجود دارند که به نظر می رسد طلا و نقره اند، هم چنین برخی قیاس ها نیز واقعا قیاس اند و برخی شبیه قیاس، یعنی در حقیقت قیاس نیستند و آنها را مغالطه می نامیم. (ابی الولید ابن رشد، تلخیص السفسطه، تحقیق محمد سلیم سالم، ص ۲-۴).

### تعریف عام تر ....

مغالطه منحصر به استدلال نیست، بلکه به طور کلی شکل نامعتبری از استدلال دانسته شده است. به بیان دقیق تر، شکل هائی از استدلال که نتیجه آن تابع مقدمه یا مقدمه هایش نیست. (پل ادوارد)

### فصل اول: تبیین های مغالطی

وقوع مغالطه در بیان یک گزاره ساده، بدون جنبه استدلالی نیز امکان پذیر است. هر چند او در حال دلیل آوردن است، اما در پی اثبات مدعائی نیست و صرفا در صدد بیان گزاره ای است که در این زمینه نیز احتمال مغالطه منتفی نیست.

## ۱. مغالطه اشتراک لفظ

زمینه وقوع این مغالطه، وجود الفاظ مشترک در تمام زبان هاست. کلماتی که بیش از یک معنا دارند و می توان هر کلمه را در معنایی به کار برد:

انگور شیرین است

شیرین معشوق فرهاد است.

انگور معشوق فرهاد است.

خانه ارزان کمیاب است.

هر چیز کمیاب گران است.

پس خانه ارزان گران است.

## اشتراک اسم و صفت

- او و همسرش پنج سال اختلاف داشتند. (اختلاف: تفاوت یا مشاجره!!).
- حمید دوست بیست ساله من است. (مدت بیست سال یا سن بیست ساله).

## اشتراک فعل

- آنها از ما چند عکس گرفتند. (دریافت عکس یا عکس انداختن!!!).
- این کتاب قیمت ندارد. (بسیار باارزش بودن یا بسیار بی ارزش بودن).

## اشتراک حرف

- دهمین و آخرین فصل کتاب درباره عبادت است. (واو عطف با، یا بیان «یعنی»).

## ۲. مغالطه ابهام ساختاری<sup>۱</sup>

این مغالطه نیز مانند مغالطه اشتراک لفظی است، با این تفاوت که معانی گوناگون اینجا ناشی از اشتراک لفظ نیست، بلکه جمله با ترکیب خاص خود به گونه ای است که بیش از یک معنا را افاده می کند.

- چون از او گشتی همه چیز از تو گشت
  - چون از او گشتی همه چیز از تو گشت
  - او گفت این کتاب مال من است. (کتاب از گوینده است یا از من؟؟). (مشخص نبودن نقش دستوری کلمات) پ
  - من از راهنمایی شما پریشانم. (شما: فاعل یا مفعول).
  - من مثل تو زودباور نیستم. (تو زودباور هستی یا نیستی!!). (مشخص نبودن ممثل)
  - هندوانه مثل قند. (شیرین یا سفید).
- در برخی از موارد هم، به خاطر تغییر نقطه بعد از کلمه معنای جمله عوض می شود.
- عفو لازم نیست اعدامش کنید.
  - اجناس دزدیده شده توسط مأمورین کشف شد.
  - او برای بازدیدی ۵ روزه به اصفهان آمد.

## شعر مولانا

کار نیکان را قیاس از خود مگیر / گرچه باشد در نوشتن شیر شیر

آن یکی شیر است اندر بادیه / وان دگر شیر است اندر بادیه

آن یکی شیر است کادم می خورد / وان یکی شیر است کادم می خورد

## داستان ابن جوزی

خلیفه بلا فصل پیامبر کیست؟

من کان بنته فی بیته. (کسی که دخترش در خانه او بود).



دختر پیامبر در خانه امام علی علیه السلام بود. یا دختر ابوبکر در خانه پیامبر بود!!

### ۳. مغالطه ترکیب مفصل

گاهی دو جمله به صورت مجزا درست هستند، اما ترکیب آنها نادرست است.

به طور مثال این دو جمله را در یک جمله بیاوریم:

او نویسنده است. / او ورزشکار ماهری است.

او نویسنده ماهری است. یا او نویسنده و ورزشکار ماهری است.

### ۴. مغالطه تفصیل مرکب

این مغالطه کاملاً عکس مغالطه قبل است، و وقتی واقع می شود که در جمله ای به موضوع یا مبتدای جمله یک صفت یا محمول مرکب اسناد داده شده باشد و حکم این جمله در حالت ترکیبی صادق باشد، اما اگر بخواهیم جمله را از حالت ترکیبی خارج کنیم و موضوع را به طور جداگانه با هر یک از اجزای محمول در دو جمله مستقل بیان کنیم به نتیجه نادرستی می رسیم.

- او یک ژاپنی قدبلند است، پس او بلند قد است. (ژاپنی قد بلند غیر از ژاپنی و یا قد بلند به تنهایی است. یعنی دو مفهوم متفاوت دارند).

### ۵. مغالطه واژه های مبهم

این مغالطه در جایی که گوینده یا نویسنده از لغات و واژه هایی استفاده کند که به علت ابهام و عدم تعیین، سخن او را غیر قابل نقد نماید. به این ترتیب که در هر شرایطی بتواند ادعا کند که سخن او هنوز پابرجاست و به این وسیله خود را از هر گونه اعتراض و انتقادی مصون بدارد.

- مثلاً آمریکا ادعا کند: ما در کشورهای دیگر مداخله نظامی تمام عیار نمی کنیم ولی در شرایط خاص جنگ محدود را می پذیریم.

این جمله مغالطه آمیز است زیرا هر چه دامنه جنگ را هم گسترش دهند، باز می توانند ادعا کنند جنگ محدود است.

برخی واژه های مبهم «صفات نسبی» هستند، مانند دور و نزدیک، کوچک و بزرگ و ....

• مثلا می گوئیم: «قم از شهرهای نزدیک تهران است».

کمیات مبهم مانند زیاد، اندک، کم، خیلی و ... (در برابر کمیات معین مانند اعداد حقیقی و اعشاری) ابزار رایجی برای مغالطات هستند: «بیست میلیون که پول زیادی نیست، با آن یک خانه مناسب هم نمی توان خرید!». (منظور از خانه مناسب چیست؟) یا کسی بگوید: من زیاد پول ندارم، و گرنه به تو غرض می دادم!! منظورش از زیاد چقدر است؟؟

یکی از متداولترین استفاده از این مغالطه در فال گیری ها و پیشگویی هاست. در پیش گوئی معمولا از لغات و عبارات هائی استفاده می شود که مبهم باشد و قابلیت انطباق با مصادیق گوناگونی را داشته باشد. مثلا می گویند:

- «شما استعداد زیادی در بعضی از رشته ها دارید و به زودی موفقیت بزرگی نصیب شما می شود».
- و مانند پیشگویی های نوستر آداموس فرانسوی.

## ۶. مغالطه گزاره های بدون سور

برخی قضایا در مورد یک فرد است و شخصی است: «سعید شاعر است».

اما برخی قضایا در مورد یک مجموعه است.

به طور کلی: «هر مسلمانی موحد است».

به طور جزئی: «بعضی دانش آموزان کوشا هستند».

اگر گزاره ای بدون ذکر سور باشد، در منطق مهمله نامیده می شود.

قضایای مهمله به خودی خود جنبه مغالطه ندارند، بلکه مغالطه بودن این قضایا وقتی است که گوینده با غرض خاصی بخواهد از افعال سور سوء استفاده کند.

## موارد استفاده این مغالطه

۱. با نسبت دادن به همه سریعا خطای گفتارش مشخص می شود. پس سور را نمی آورد:

«غذاخوری های بین راه بهداشتی نیستند». پس این غذاخوری هم بهداشتی نیست.

## ۷. مغالطه سوره های کلی نما

در مغالطات بدون ذکر سور، سوری ذکر نشده بود تا کلیت رسانده شود، اما در اینجا از سوره های استفاده می شود که مبهم هستند. ابهام آنها بدین صورت است که یک حالت محدود و غیر کلی را بیان کند، اما طرز بیان و ساختار گزاره طوری است که حالت کلی و ادعای فراگیر به ذهن تبادر پیدا می کند.

- «غالب افراد بزهکار جامعه متعلق به طبقات پائین هستند».

## نکته مهم

استفاده از سوره های مبهم در فلسفه و علوم رایج مناسب نیست. زیرا با ابهام به وجود آمده در این گزاره ها، استفاده آنها از بین می رود.

مثلا «بیشتر اجسام در اثر کشش زمین به سمت آن حرکت می کنند!!».

بنابراین یا باید قضایا به صورت کلی باشند و یا با استفاده از قانون آماری باید راه مغالطه بسته شود. یعنی مثلا به جای «بیشتر افراد ....» بگوئیم ۴۰ درصد یا ۶۰ درصد....

اگر گزاره ای به گونه ای باشد که قصد القای مغالطه ای را نداشته باشد و بتوان آن را به طور اغلب پذیرفت، استفاده از آن اشکال ندارد:

- «در شمال کشور اکثر روزهای سال بارانی است و در سیستان به ندرت باران می بارد».

## ۸. مغالطه تعریف دوری

تعریف دوری جایی است که برای معنا کردن یک واژه از واژه ی دیگری استفاده شود که برای فهم آن واژه دوم، نیازمند فهم اولین واژه باشیم.

مخصوصا جایی که واژه های بعد خود نیز غریب باشند.

- خاخام یعنی حبر؛ حبر یعنی خاخام.
- جوهر: آنچه عرض نیست؛ عرض آنچه جوهر نیست.

## دو مثال ادبی

عارفی مدعی را پرسیدند جوانمردی چیست؟ گفت: ترک کامجویی؛ گفتند: کامجویی کدام است؟ پاسخ داد: ترک جوانمردی.

محتسب در نیم شب جایی رسید / در بن دیوار مستی خفته دید

گفت هی مستی چه خوردستی بگو / گفت ازین خوردم که هست اندر سبو

گفت آخر در سبو واگو که چیست / گفت از آنک خورده‌ام گفت این خفیفست

گفت آنچه خورده‌ای آن چیست آن / گفت آنک در سبو مخفیفست آن

دور می‌شد این سؤال و این جواب / ماند چون خر محتسب اندر خلاب

### ۹. مغالطه کنه و وجه

ممکن است دانشمندی یکی از پدیده‌های طبیعی را مورد مطالعه قرار دهد و در حین مطالعه و تحقیقات خود به صفت یا خصوصیتی برسد که به خاطر رابطه تنگاتنگ با موجود مورد بررسی، بیندازد که این صفت از لوازم آن پدیده است. یعنی گمان کند که قوام ذات و کنه آن پدیده تنها به آن صفت است و صفات دیگر نقشی در ذات و هویت آن پدیده ندارند. (اشاره شده توسط وایتهد).

وقتی داروین نظریه تکاملی خود را در عالم زیست‌شناسی مطرح کرد، در آن عصر عده زیادی مرتکب مغالطه کنه و وجه شدند و گفتند: از اینکه موهای بدن میمون ریخته و به شکل انسان در آمده است، پس انسان هیچ چیز نیست مگر میمون برهنه!!!

در این عصر توماس هاکسل متوجه این مغالطه شد و گفت: فرضاً اگر تئوری داروین درست باشد و سیر تکاملی جانداران را بپذیریم، می‌توانیم بگوئیم انسان ابتدا میمون بوده است و بعد به انسانیت رسیده است، اما نمی‌توان گفت: انسانی هیچ چیز نیست جز میمونی که به سطح انسان ارتقاء پیدا کرده است.

از آنجا که این مغالطه معمولاً با عبارت «پدیده الف چیزی نیست جز صفت ب» بیان می‌شود، نام دیگر آن در برخی کتب کاربردی اینگونه است:

«مغالطه هیچ چیز نیست به جز».

هر چند وایتهد این مغالطه را در مورد علوم تجربی و طبیعی مطرح کرد، اما خطر ارتکاب آن در علوم انسانی به مراتب بیشتر است و با توجه به اثر گذاری مهم علوم انسانی در زندگی بشر باید بیشتر نسبت به این مغالطه حساسیت نشان داد.

مانند: «پدیده دین در میان جوامع بشری چیزی نیست به جز برنامه ای تنظیم شده از سوی اقویا و ثروتمندان برای عقب نگهداشتن طبقات ضعیف».<sup>۲</sup>

## ۱۰. مغالطه علت جعلی

مغالطه علت جعلی دارای دو شکل اصلی است.

نوع اول این مغالطه وقتی است که در یک استدلال، چیزی به عنوان «علت» وانمود می شود که در واقع «علت» نیست؛ یعنی در تحلیل عقلی و منطقی آن چیز نمی تواند جنبه علی و تاثیر گذاری داشته باشد، اما گوینده یا نویسنده در استدلال خود آن را سبب یک امر خاص به حساب می آورد.

• «امروزه تجربه نشان داده است که مجلس و قوه قانونگذاری در کشورهای مختلف هر چه قانون های پیچیده تری تصویب کنند، آمار جرم و جنایت و نقض قانون بیشتر می شود، بهترین راه برای جلوگیری از تخلفات قانونی، کنار گذاشتن این قوانین دست و پا گیر است».

علت وقوع این مغالطه یا جهل است و یا غرض ورزی.

جهل در اینجا یعنی کم اطلاعی و تحلیل واقعه بدون پشتوانه علمی و غرض ورزی یعنی اینکه فرد حقیقت را می داند، اما می خواهد بر آن سرپوش بگذارد و علتی دیگری را به جای علت اصلی جایگزین کند.

• غرض ورزی: «آقا اجازه، دیشب مهمان داشتیم و نتوانستم درس را آماده کنم. به همین خاطر نمره امتحانم کم شد».

## یک لطیفه

تقل است که در دوران قدیم، فرزند ساده لوح یکی از طبیبان از پدر خود شنیده بود که هرگاه حال یکی از بیمارانت بد شد، بر بالین او حاضر شو و به اطراف او نگاه کن؛ ببین چه می بینی! اگر مثلا پوست خربزه ای

<sup>۲</sup> این سخن درست نیست. زیرا اصل دین مانند اثبات وجود خداوند و صفات او، برگرفته از حکم عقل و مطابق با گرایش های فطری است.

دید، بگو که بیمار خربزه خورده و مرضش شدت یافته؛ یا اگر هسته آلو دیدی، بدان که آلو خورده و ... جوان ساده لوح روزی باخبر شد که حال یکی از بیمارانش وخیم است، لذا بر بالین او حاضر شد و مرتب می‌گفت که بیمار ناپرهیزی کرده و برای اثبات مدعای خویش به اطراف نگاه کرد و چیزی نیافت جز یک پالان، لذا خطاب به اطرافیان بیمار کرد و گفت: بیمار خر خورده!

نوع دیگر مغالطه ی علت جعلی این است که بخشی از علت به عنوان کل علت معرفی شود؛ یعنی اگر برای تحقق معلولی، مثلا لازم است ۵ عامل دست به دست هم بدهند تا آن معلول محقق شود، شخص مغالطه‌کننده آن معلول را تنها به یکی از آن علل استناد می‌دهد مثل:

• «ما در دهه اخیر شاهد افت تحصیلی شدید در مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های کشور هستیم. واضح است که آموزگاران و دبیران در انجام وظایف خود بسیار کوتاهی می‌کنند».

افت تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان می‌تواند ناشی از علل بسیار زیادی باشد، مانند تغییرات متون درسی، سطح پایین آموزش در دوره ابتدایی، افزایش چشمگیر برنامه‌های تلویزیون و دیگر تفریحات. کوتاهی آموزگاران در انجام وظایف خود نیز می‌تواند یکی از علل افت تحصیلی باشد، اما در استدلال فوق شخص مغالطه‌کننده با چشم‌پوشی نسبت به علل و عوامل دیگر، تنها علت افت تحصیلی در دهه اخیر را کم‌کاری معلمان معرفی می‌کند.

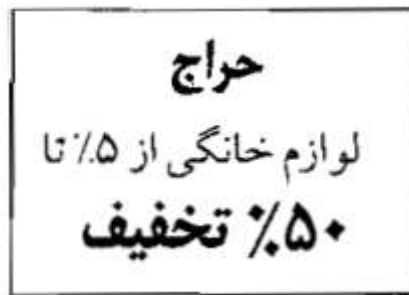
## ۱۱. مغالطه بزرگ نمائی

در این مغالطه، فرد سعی می‌کند به گونه ای مطلب را بیان نماید، که قصد و غرض خاص او بیشتر تأمین شود.

مثلا کسی دارای سه کتاب و ۹۸ مقاله باشد و در تعریف او بگوئیم:

«نویسنده بیش از صد کتاب و مقاله علمی».

این مغالطه می‌تواند با حالت تصویرهای تبلیغاتی همراه باشد.



## ۱۲. مغالطه کوچک نمائی

در این مغالطه فرد سعی می کند با بی اهمیت نشان دادن مطلبی، آن را کوچک و کم ارزش نشان دهد. «در کشوری که ۱۰۰ میلیون جمعیت دارد، این مسائل طبیعی است که تعدادی هم اهل خشونت باشند.» (ولی نمیگوید این تعداد حدود نیمی از جمعیت آن کشور هستند که وقتی نیم آنها خشن باشند غیر طبیعی است).

## ۱۳. مغالطات آماری (۱): متوسط

کلمه «متوسط» می تواند معانی مختلفی داشته باشد. معانی چون: میانگین، میانه و نما. اگر مراد گوینده از واژه متوسط مشخص نباشد، باعث مغالطه آماری متوسط در گفتار او می شود. مثلا در یک کلاس ۲۴ نفری می خواهیم متوسط میزان مطالعه دانشجویان را در یک هفته محاسبه کنیم. آمار متوسط به معنای میانگین میانگین مطالعه دانشجویان در هفته، ۷ ساعت می باشد. زیرا نتیجه تقسیم کل ساعات (۱۶۸) بر نفرات (۲۴) می شود ۷.

آمار متوسط به معنای میانه مطالعه دانشجویان میانه مطالعه دانشجویان سه ساعت در هفته است. در میانه، مجموعه عددی را به دو نیم تقسیم می کنند، نیمی که هر یک از اعداد آن بیشتر از میانه و نیمی که کمتر از میانه است. در مثال ما، میانه یعنی عدد سه به ما می گوید که در کلاس فوق نیمی از دانشجویان، یعنی ۱۲ نفر بیش از سه ساعت و نیمی دیگر کمتر از سه ساعت در هفته مطالعه می کنند.

آمار متوسط به معنای نما مطالعه دانشجویان

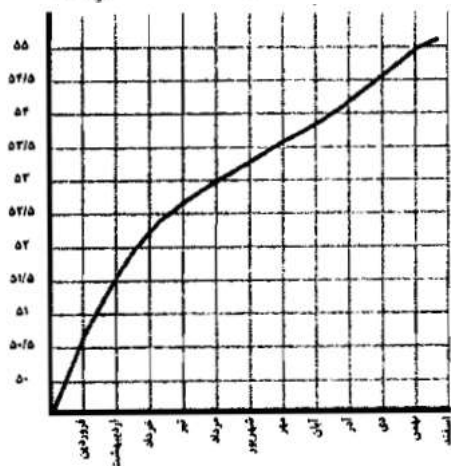
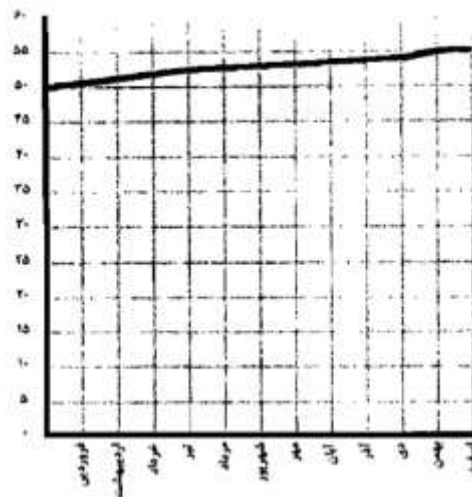
نما در یک مجموعه عددی است که بیشتر از دیگر اعداد تکرار شده است.

در مسأله ما عدد دو بیش از اعداد دیگر تکرار شده است. زیرا ۱۲ نفر از دانشجویان هفته ای ۲ ساعت مطالعه دارند.

پس متوسط مطالعه این دانشجویان با محاسبات مذکور سه نتیجه مختلف داشت: ۲ و ۳ و ۷ ساعت در هفته!!!

### ۱۴. مغالطات آماری (۲): نمودارهای گمراه کننده

سود واقعی شرکتی، در طول یک سال از ۵۰ میلیون به ۵۵ میلیون رسیده است. این را به گونه های مختلفی می توان نمایش آماری داد.



نمودار رشد سود خالص



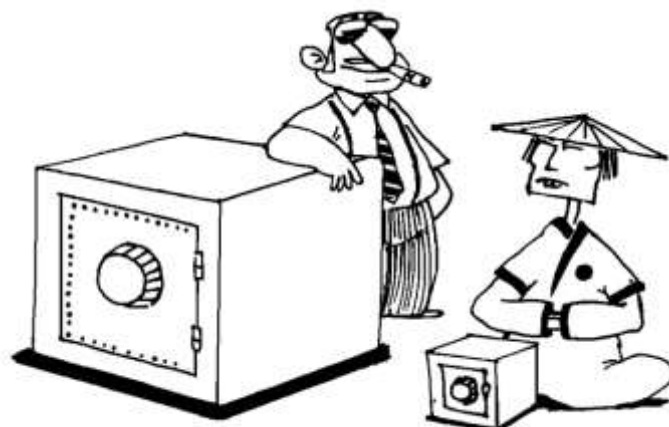
### ۱۵. مغالطات آماری (۳): تصاویر یک بعدی

قرار است گفته شود که سود رستوران های اروپائی سه برابر سود رستوران های آسیائی است، اما در تصویر سمت چپ، گویا سود ۲۷ برابر است.



مدیران رستوران های اروپایی.

مدیران رستوران های آسیایی.



### ۱۶. مغالطه دروغ

کارکرد مغالطه دروغ اینگونه است که شخص به دروغ مدعی گزاره نادرستی می شود و در فرایند استدلال خود از آن گزاره استفاده می کند که طبعاً نتیجه ی اخذ شده از این استدلال نادرست است.

مثال: این فرد دارای سوابق جبهه و جهاد است. کسی که دارای چنین سوابقی باشد، بیش از دیگران برای برعهده گرفتن سمت های انقلابی مناسب است. (در حالی که فرد متولد ۱۳۸۰ است).

### ۱۷. مغالطه توریه

هدف کسی که مرتکب مغالطه توریه می شود، همان هدف شخص دروغگوست. یعنی ارائه اطلاعات نادرست به منظور فریفتن مخاطب، اما اختلاف توریه با دروغ این است که در توریه، ظاهر سخن معنای درستی دارد اما آنچه مخاطب از آن درک می کند نادرست و دروغین است.

- اگر تلفن با من کار داشت بگو پدرم در خانه نیست.

### ۱۸. مغالطه نقل قول ناقص

اگر در بازگو کردن سخن دیگران، این نقل به گونه ای باشد که با غرض خاصی صورت گیرد و مفهومی غیر از مراد گوینده را انتقال دهد، دچار مغالطه «نقل قول ناقص» شده ایم.

- مثال: پاپ وارد فرودگاه لندن شد. خبرنگاری از او پرسید آیا او قصد دارد به کلوپ های شبانه برود؟ پاپ با تعجب گفت: آیا در لندن کلوپ شبانه و میکده وجود دارد؟! فردا روزنامه تیتر زدند: «اولین سؤال پاپ هنگام ورود به لندن: آیا در لندن کلوپ شبانه و میکده وجود دارد؟».

### ۱۹. مغالطه تحریف

تحریف یعنی منحرف کردن چیزی از مسیر و وضع اصلی آن. منظور از مغالطه تحریف، تغییر و تبدیل و دخل و تصرف در سخنان دیگران است.

- مانند: تحریفات تورات (یحرفون الکلم عن مواضعه).
- تحریفات عاشورا (عروسی حضرت قاسم، کشته شدگان هزاران نفری توسط اهل بیت و اوصاف مبالغه آمیز....)

### ۲۰. مغالطه تفسیر نادرست

این مغالطه نیز مربوط به نقل و بازگو کردن سخن دیگران است. اما در این مغالطه هیچ تغییر یا دخل و تصرفی صورت نمی گیرد و همه مطالب مطابق واقع بازگو می شود، اما جنبه مغالطه آن در توجیه و تفسیر وارونه گفتار و رفتار دیگران است به گونه ای که مغایر با قصد اصلی آنهاست.

- مثال: داستان کشته شدن عمار در جنگ صفین و نقل سخن پیامبر که: عمار را افراد یاغی می کشند.
- یا تفسیر نادرست از شهادت امام حسین علیه السلام در مورد کفار گناهان بودن شهادت ایشان.

## ۲۱. مغالطه تأکید لفظی<sup>۳</sup>

در این مغالطه، چیزی از جمله کم و زیاد نمی شود. اما مغالطه آمیز بودن آن به این دلیل است که گاهی در نقل و بازگوئی یک جمله، تأکید بر برخی کلمات آن سبب می شود مفاهیمی اضافی و خارج از جمله القا شوند. مفاهیمی که بدون اینکه کلمه ای متکفل آن باشد به مخاطب القا می شود.

(توضیح بیشتر: این عبارت «لباس مرا اظوکن» با تأکید بر هر کلمه مفهوم جدیدی خواهد یافت: تأکید بر لباس: لباسم نه چیز دیگر. یا مرا: نه لباس دیگری، یا اظوکن: نه اینکه مثلاً بشور؛)

این مغالطه بیشتر یک مغالطه شفاهی است تا کتبی.

و معمولاً در جایی استفاده می شود که می خواهند کار حرام یا ممنوعی را مجاز جلوه دهند، به این ترتیب که گویا تکیه بر نفی و تحریم بعضی عناصر به منزله جواز برخی عناصر دیگر است.

کسی همسرش را با دست بزند و بگوید: من شنیدم پیامبر فرموده اند: من در شگفتم از کسی که همسرش را میزند با اینکه خود به کتک خوردن سزاوارتر است زنان تان را با چوب نزنید چرا که در آن قصاص است (یعنی با زنجیر و یا تعداد متفاوت اشکالی ندارد).

## مثال

و ممکن است کسی در نقل سخن دیگران با تأکید لفظی، منظور گوینده را تغییر دهد.

- ما نباید به هم و وطن خود دروغ بگوئیم.
- ما نباید به هم و وطن خود دروغ بگوئیم.
- آقای مدیر گفت: سعید دانش آموز درس خوانی است. (اگر حمید برادر سعید و هم کلاسش باشد، این جمله معنا می دهد که حمید در خوان نیست).

نکته: برای دفع این مغالطه توجه کرده اثبات شی نفی ما عدا نمی کند.

<sup>۳</sup> معادل انگلیسی آن: accent است. برخی کتب به «تکیه کلام» ترجمه شده است. مانند: منطق پیشرفته، ص ۱۲۷.

## فصل دوم: ادعای بدون استدلال

در این فصل با مغالطاتی آشنا می شوید که گوینده یا نویسنده مدعائی را مطرح می کند که برای آن دلیلی ندارد، اما به جای استدلال از ترفندهائی استفاده می کند تا مدعای خود را به گونه ای دیگر به مخاطبان بقبولاند.

### ۱. مغالطه بستن راه استدلال

در حالت طبیعی بنا براین است که برای اثبات یک مدعا دلیل اقامه شود. اما گاهی فرد به جای انتخاب این راه، پس از بیان ادعای خود سخنی می گوید که رابطه آن مدعا با استدلال های موافق و مخالف را قطع می کند و به این ترتیب خود را از بیان ادله مدعایش بی نیاز می نماید. یعنی نه جائی برای اثبات می ماند و نه راهی برای رد.

- مثال: من حاضر به همکاری با او نیستم و به نظرم آدم متقلبی است. از قیافه اش می فهمم چه جور آدمی است.  
من سخن تو را قبول نمی کنم. تو نحس هستی.

### ۲. مغالطه هر بچه مدرسه ای می داند

در این مغالطه فرد سعی می کند با بدیهی و ساده نشان دادن درک مدعایش، فرد را شرمند کند و به این گونه از او مقبولیت بگیرد.

- این حساب دو دو تا چهارتاست و هر کودکی آن را درک می کند که در جامعه دچار تورم باید به مطبوعات آزادی بیشتری در بیان نظرات داد و بر آنها سخت نگرفت.
- قبول نکردن این سخن، از سر بیسوادی است.

### ۳. مغالطه مسموم کردن چاه

در این مغالطه فرد نسبت به مخالفان مدعایش صفت مذمومی را نسبت می دهد که فرد مخالف به خاطر گریز از مصداق شدن برای این صفت مذموم ساکت می ماند.

- همه افراد با شخصیت موافق اختلاط دختر و پسر در مدرسه ها هستند جز کسانی که در مسائل جنسی دچار عقده جنسی می باشند.

#### ۴. مغالطه تله گذاری

در این مغالطه بر خلاف مغالطه مسموم کردن چاه، فرد برای موافقان مدعایش صفت ممدوحی را در نظر می گیرد که مخاطب برای مصداق شدن در این صفت ممدوح، مدعای فرد مغالطه کننده را می پذیرد.

- پیشنهاد من برای نام شرکت «فخر ایرانیان» است که هر فرد وطن دوست و اهل ذوقی این را می پسندد.
- قریون مرام پهلونیت! این کار را برای من انجام بده.

#### ۵. مغالطه توسل به جهل

مغالطه از را جهل دو جنبه دارد:

جنبه سلبی: چون کسی آن را اثبات نکرده است مردود است.

مثال: اعتقاد به جن خرافه ای بیش نیست. زیرا من کتابی در این زمینه ندیده ام.

جنبه اثباتی: چون کسی مطلب را رد نکرده است پس درست است.

مثال: قطعاً فال درست است. چون کسی آن را رد نکرده است.

#### ۶. مغالطه طلب برهان از مخالفان

نوع خاصی از مغالطه توسل به جهل است. بدین گونه که فرد مدعائی را بدون استدلال مطرح می کند و سپس از آن دفاع کرده و از دیگران می خواهد که اگر مخالفت یا اعتراضی دارد بیان کند. در حالی او باید برای سخنش دلیل اقامه کند و شواهدی بیاورد.

- «به نظر می رسد این بهترین راه کار است و اگر کسی مخالفتی دارد بعداً به ما منتقل نماید».
- منشأ این مغالطه چنین پیش فرض غلطی است که هر چیزی را باید پذیرفت و قبول کرد مگر اینکه مخالف آن ثابت شود.
- «تحلیل من از مسائل جاری اینگونه است، کسی نظر دیگری دارد بگوید تا من حرفم را پس بگیرم!!!».

وقتی کسی می گوید: «ثابت کن اینطور نیست» یعنی سخن مرا بدون دلیل قبول کنید. پس باید به او گفت: اگر بر فرض که من هم دلیلی بر مخالفت شما نداشته باشم، دلیل شما بر صحت سخنتان چیست؟

## انواع آن

طلب برهان از مخالفان به طور ایجابی: مدعی سخنی را بدون اینکه دلیلی بر اثبات آن داشته باشد بیان می کند و سپس برای پوشاندن ضعف استدلال خود می گوید: «ثابت کن اینطور نیست».

طلب برهان از مخالفان به طور سلبی: مدعی سخنی را بدون دلیل رد می کند و برای جبران ناتوانی خود می گوید: «ثابت کن اینطور است».

## داستان

روزی کسی در نقطه ای ایستاده بود و می گفت: اینجا وسط زمین است.

گفتند: دلیلت چیست؟

گفت: اگر می توانید ثابت کنید اینطور نیست. می توانید متر بیاورید و اندازه بگیرید.

## ۷. مغالطه طرد شقوق دیگر

این مغالطه در جایی است که ما نه با یک حصر عقلی، بلکه با یک حصر استقرائی رو به رو باشیم. یعنی حالات و شقوق مذکور، همه ی شقوق ممکن نیست. در این وضعیت فرضاً اگر پنج حالت در نظر گرفته شده باشد، با نفی چهار حالت، حالت پنجم اثبات نمی شود. زیرا ممکن است حالات و شقوق دیگری نیز وجود داشته باشد.

مثال: کشت گندم انتخاب بهترین زراعت برای این منطقه است، زیرا سیب زمینی، هویج و گوجه در این خاک آزمایش شده اند و رشد خوبی نداشته اند.

## ۸. مغالطه تکرار

برای اثبات یک مدعا، یک بار گفتن آن کافی است و سپس لازم است که ادله ذکر شوند. اما در اینجا شخص برای اثرگذاری بر مخاطبین، به جای دلیل آوردن شروع به تکرار مدعا می کند.

- مانند: پودر لباسشویی «برف» لباس های شما را مانند برف سفید می کند، مثل برف سفید می کند. آری مثل برف.

### ۹. مغالطه فضل فروشی

این مغالطه وقتی صورت می گیرد که فرد بخواهد با استفاده از کلمات ثقیل و پیچیده مخاطب را مرعوب خود نموده و چنین وانمود کند که او دارای فضل و کمال است و بدین گونه نقص و عیب سخن خود را بپوشاند.

- مانند: حب الذات در انسان مفتور است و قاطبه انسان ها جيلتا ميل به جلب المنفعه و دفع المضرة دارند.
- به قول پل سارتر فیلسوف معروف اگزیستانسیالیسم در مقدمه کتاب «ادبیات چیست» باید میخ را کوبید.

### ۱۰. مغالطه کمیت گرایی

ذکر عدد و آمار معمولا نشان دهنده دقت در اظهار نظر است. اما گاهی از آن سوء استفاده شده و در جایی که قابل اندازه گیری نیست، مورد استفاده قرار می گیرد.

- مثلا: این مطلب را جدی عرض می کنم. من سه برابر برادرم به شما اعتماد دارم.
- آمار شادی در سوئیس بیست برابر بیشتر از ایران است.
- ۳۴/۶۳ مردم از نان x راضی نیستند.

### ۱۱. مغالطه بار ارزشی کلمات

این مغالطه ناشی از این حقیقت است که می توان قضاوت دیگران را در باره یک موضوع به وسیله بیان آن موضوع با تعبیرهای مختلف عوض کرد.

هنگامی که در بیان و توضیح یک موضوع، از کلماتی استفاده کنیم که دارای بار ارزشی مثبت یا منفی باشد و بدین وسیله بخواهیم آن موضوع را پسندیده تر یا ناپسندیده تر از حالت عادی آن نشان دهیم، به این معنا که بدون بار ارزشی کلمات آن جمله را بیان کنیم، مرتکب این مغالطه شده ایم.

- مانند: میلو شویچ فرماندهان جنگی خود را احضار کرد.

- آقای کلینتون با مسئولان نیروهای دفاعی به مشورت پرداخت.
- من در اعتقادات خود ثابت قدم و استوار هستم و شما نسبت به من لجاجت و تعصب نشان می دهید.
- فرمایشات آقای گیلانی با اراجیف کرمی خیلی متفاوت است.

## ۱۲. مغالطه توسل به احساسات

شکل کلی این مغالطه به این صورت است که شخص مغالطه کننده تشخیص می دهد که مخاطب او در چه وضعیت روحی و روانی قرار دارد؛ و کدام یک از احساسات او مؤثر است و سپس با برانگیختن احساسات او (سودجویی و منفعت طلبی، کبر و غرور، هوا و هوس نفسانی، تعصب و لجاجت یا حسادت) پرده ای بر عقل او می گذارد و او را از قضاوت صحیح باز می دارد.

### مثال

- اگر تو ایرانی بودی، در برابر این بیروان اعراب ایستادگی می کردی.
- اگر آقای الف رئیس جمهور می شد، فرصت به این روزنامه ها نمی داد.
- اگر درد فقر را حس می کردید، در مذاکرات با آمریکا سرسختی نشان نمی دادید.
- روی خوش نشان دادن به غرب، باعث بازگرداندن سرمایه های بایکوت شده می شود.

## ۱۳. مغالطه تهدید

این مغالطه وقتی اتفاق می افتد که شخص مغالطه کننده سخنی را مطرح می کند و به صورت تصریح و یا تلویح به مخاطب خود می فهماند که اگر آن سخن را نپذیرد باید منتظر آسیبی باشد.

- پانگ صورتی بهترین کارتون نیست، بی خود حرف نزن! و گرنه می روم به برادرت می گویم.
- مثال معروف: «مغالطه استالین»

## ۱۴. مغالطه تطمیع

در این مغالطه بر خلاف مورد قبل، شخص به مخاطب خود می فهماند که در صورت پذیرفتن سخنش، سود و منفعتی به او خواهد رسید.

- اگر زحمت بکشید و مهری پای این برگه بزنید، ویلای شمال شهر که قابل شما را ندارد.



### ۱۵. مغالطه جلب ترحم

این مغالطه وقتی صورت می‌گیرد که شخصی ادعائی را مطرح کند و سپس با بیان اوضاع رقت بار خود در شرائط موجود یا در صورت رد شدن آن مدعا، بکوشد سخن خود را از طریق جلب دلسوزی و ترحم به مخاطب خود بقبولاند.

- مثال: اگر ما تصمیم بگیریم که این کارگر را اخراج کنیم، همسر بیمار او از دنیا خواهد رفت و کودکش در کوچه و خیابان آواره خواهند شد.

### ۱۶. مغالطه آرزو اندیشی

بیشتر انسان‌ها تا حد زیادی از آرزوهای خود لذت می‌برند و با خیالبافی و توهم، وضعیت مطلوب را به جای عالم واقع، در ذهن خود ایجاد می‌کنند. اگر این آرزوها به جایی برسد که در تفکر و استدلال فرد نیز سرایت کند، این حالت را مغالطه «آرزو اندیشی» می‌نامیم.

- سرکار رفتن در چنین هوای نامناسبی، هیچ خیری به کسی نمی‌رساند، من امروز در خانه استراحت می‌کنم. (یعنی چون من دوست ندارم اینطور باشد، پس اینطور نیست).
- اگر مرا به غلامی خود انتخاب کنید، سال دیگر یک وام می‌گیرم و با آن وسیله ای می‌خرم و با پشتکارم برای شما خانه و ماشین و ... فراهم می‌کنم. آنگاه تو دیگر نمی‌خواهد کار کنی و ...
- امسال بارندگی خوبی خواهیم داشت و خشکسالی سال گذشته جبران خواهد شد.

### ۱۷. مغالطه عوام فریبی

شخص به جای استدلال و اقامه برهان، سعی می‌کند از طریق تحریک احساسات و هیجان‌های جمعی و توسل به عواطف و جو حاکم، نوعی تصدیق جمعی نسبت به نتیجه مطلوب خود را به دست آورد.

مغالطه به دو شکل مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌گیرد.

اهتزاز پرچم، نواختن موسیقی خاص که با موضوع ارتباط دارد، استناد دادن کاری به افراد مشهور در ثروت یا علم و یا گروه‌هایی مانند بازیگران و بازیکنان و ... ادعای مطابقت این ادعا با سخن دین، حقوق بشر یا مستمندان از جمله حربه‌های این مغالطه است.

مثال: مارادونا هم کوکاکولا می‌نوشد.

پخش صحنه های طبیعت و جذاب در تبلیغات یک کلای خاص.

### ۱۸. مغالطه توسل به مرجع کاذب

ارجاع یک ادعا به کارشناسان مربوط امری کاملاً طبیعی و معقول است. اما این مسأله گاهی دچار مغالطه می شود.

مثل استناد به قول یک کارشناس در غیر از حوزه تخصصی اش.

«اثبات وجود خداوند از نظر فیزیکدانان معاصر».

یا استناد به کارشناس همان رشته، اما به طور مبهم و غیر مشخص:

- «یکی از سیاستمداران بزرگ نیز نابودی جهان در سال ۲۰۲۰ را پیش بینی کرده است، یا یکی از اقتصاددانان بزرگ ....».

### ۱۹. مغالطه تجسم

مغالطه تجسم وقتی صورت می گیرد که کسی گمان کند که به ازای هر یک از الفاظ و کلمات، یک جسم عینی و خارجی وجود دارد.

وجود سردی و گرمی در کنار آب سرد و گرم.

عینیت داشتن اموری مثل عدالت، شجاعت و ... مثل عینیت داشتن آب و گل و ...

تلقی کردن مجازها به عنوان حقیقت. شکستن سکوت را مانند شکستن شیشه بیندارد.

مثلاً به جای «در هنگام غروب آسمان سرخ می شود» بگوئیم «در هنگام غروب، سرخی آسمان را فرا می گیرد» و در حالی که مراد هر دو عبارت یکی است، اما کسی برداشت کند که سرخی چیز خاصی است که به سمت آسمان آمده و آن را فرا گرفته است.

### مثال های قرآنی

در سوره آمده است که «ید الله فوق ایدیهم».

مغالطه در این آیه به این صورت است که کسی با توجه به این عبارت بخواهد برای خداوند اثبات دست کند؛ مانند مجسمه که براساس برخی آیات قائل به جسمانیت خداوند شده اند.

### فصل سوم: مغالطات مقام نقد

ابطال یک مدعا مانند اثبات آن نیاز به دلیل دارد. اما در این دسته مغالطات، فرد متوسل به طرفدائی می شود که از طریق آن مدعا را نادرست نشان دهد و یا از مقبولیت آن بکاهد.

#### ۱. مغالطه پارازیت

در این مغالطه فرد با ایجاد خلل در فرایند ایراد سخن فرد، مانع رساندن مفهوم سخن وی به مخاطبان شود یا ناقص و اشتباه تفهیم شود.

مانند پخش چائی در هنگام سخنرانی فرد.

یا درخواست نابجا درین سخن ..... می شود رادیو را روشن کنید اخبار را هم گوش بدهیم.

#### ۲. مغالطه حرف شما مبهم است

در این مغالطه فرد با مبهم خواندن سخنان فرد، زمینه سازی می کند تا دیگر اظهار نظر بیشتری نکند و یا از پذیرش آن مطالب سرباز زند.

در مورد طرحی که ارائه کردید، واقعیت این است که خیلی مبهم و نارسا بود و من نمی توانم در مورد آن اظهار نظر کنم.

داستان گاو بنی اسرائیل.

#### ۳. مغالطه تکذیب

مغالطه تکذیب خطای متداول افرادی است که فکر نارسا و اطلاعات ناقص خود را میزان حق و باطل قرار داده و براین اساس هر چه خارج از شعاع عقل آنها باشد انکار می کنند. آنها می گویند که فلان واقعیت را درک نمی کنند و یا با عقل آنها جور در نمی آید.

- عجیب است که هنوز عده ای باور به «طی الارض» دارند. در حالی که این موضوع دروغی بیش نیست.

برخی اوقات هم تکذیب فرد مرتبط با نپذیرفتن پیامدهای آن است. مثل تکذیب قیامت توسط گناهکاران.

#### ۴. مغالطه این که چیزی نیست

این مغالطه شبیه «هر بچه مدرسه ای این را می داند» است که فرد با اتخاذ موضع بالاتر سخن فرد را کوچک می شمرد و بدون در نظر گرفتن نکات مثبت سخن، آن را می گوید.

- تبلیغات فراوانی که در مورد این کتاب می شود واقع بینانه نیست، زیرا سخنان این کتاب الفبای علم اقتصاد است که حتی دانشجوی سال اول هم می داند. (پس کتاب با ارزشی نیست).

#### ۵. مغالطه اینکه مغالطه است

در این مغالطه فرد از مغالطه قبلی نیز یک قدم جلوتر گذاشته است و ضمن اینکه استدلالی برای رد و ضعف سخن حریف ندارد، با استناد «مغالطه بودن» سخن مقابل را به طور کلی نقض کرده و باطل نشان می دهد.

- شما در دانشگاه فلسفه خوانده اید؟ البته که چنین است. به همین دلیل است که این همه بلدید چگونه در حرف هایتان سفسطه کنید.

#### ۶. مغالطه انگیزه و انگیزه

در این مغالطه فرد به جای نقد یک عقیده و رأی و بررسی محتوای آن، به خاستگاه آن عقیده و انگیزه هائی که پشت آن قرار دارد می پردازد.

- فلسفه هگل چیزی جز مهملات نیست. او از طبقه مرفه بوده است و دائماً در عیش و نوش بوده است. در دفترش نشسته و دور از مشکلات زندگی به نوشتن موهوماتش پرداخته است.

مثال دیگر .....

- به تازگی کتابی در مورد مضرات داروهای شیمیائی نوشته شده است. نباید این کتاب را خیلی مهم تلقی کرد. زیرا نویسنده آن یک عطار است که به طب گیاهی علاقه دارد و طبعا این کتاب را برای اهداف مالی خود و برای تبلیغ خود نوشته است.

### ۷. مغالطه توهین

این مغالطه زمانی اتفاق می افتد که شخص در مقام نقد سخن دیگری با دشنام دادن و ناسزا گفتن درباره شخصیت گوینده سعی می کند چهره او را مخدوش و منفور جلوه دهد و از این امر، خطا و باطل بودن استدلالش را نتیجه بگیرد.

- فرانسیس بیکن تلاش بسیاری کرد تا فلسفه جدیدی پایه ریزی کند. هر چند او ادعاهای بزرگی دارد. اما نباید به سخنانش توجه کرد. زیرا او همان کسی است که به دلیل تقلب و اختلاس از مقام و منصب خود برکنار شده است.

### ۸. مغالطه منشأ

در این مغالطه که در کتاب های انگلیسی به نام «مغالطه ژنتیک» شناخته می شود، فرد برای رد و نفی چیزی، آن را مستند به شخصیت مذمومی می کند که او اولین بار این را گفته یا انجام داده است.

- مثال: تأخیر قطارها نباید مورد ناراحتی شما بشود. زیرا اولین کسی که دستور داد قطارها سر وقت حرکت کنند موسولینی بود.

علت این مغالطه این است که فرد مغالطه کننده می خواهد این پندار اشتباه را انتقال دهد که همیشه منشأ یک عقیده یا رأی در صحت و سقم آن مؤثر است.

### ۹. مغالطه پهلوان پنبه

منظور از «پهلوان پنبه» منطقی کسی است که موجب ترس کسی نمی شود، آزارش متوجه دیگران نیست و به قدری ضعیف و ناتوان است که به راحتی زمین می خورد.

این مغالطه در جایی است که با احساس ضعف در برابر قدرت مقابل، سعی شود با جایگزین کردن مدعای ضعیفی در جای آن و نقد این مدعای ضعیف، به مبارزه با مدعای قوی پرداخته شود.

این مغالطه می تواند به این صورت ها محقق شود:

نسبت دادن یک حالت افراطی یا تفریطی از دیدگاه معتدل فرد مقابل.

• مثلا بگوئیم او قائل است باید بین زن و مرد حتی در خیابان پرده کشید.

یا نقد نظریه پردازان درجه چندم یک مکتب به جای نقد دانشمندان طراز اول آن.

• مانند نقد سخنان یک طلبه سطح متوسط برای نقد اسلام.

### ۱۰. مغالطه کامل نامیسر

اگر کسی همه شقوق ارائه شده را رد کند و عیب ها و نقص های آنها را نشان دهد، اما یک راه حل بدون نقص را نشان ندهد یا راهی را نشان دهد که دست یافتنی نیست، دچار مغالطه «کامل نامیسر» شده است.

• مثال: به نظر یک پزشک بر خود لازم می دانم که اعلام کنم، این داروی جدید قلب ضررهای فراوانی

برای سیستم اعصاب بدن دارد. (سخن ایشان صحیح است، اما اگر بدون این دارو سالانه هزاران بیمار

قلبی از دنیا بروند چه؟؟؟).

یا مانند نقدهای انتخاباتی که هیچ گزینه ای باقی نماند!!!

### ۱۱. مغالطه ارزیابی یک طرفه

در این مغالطه مزایا یا محاسن یک ایده طوری مطرح می شود که سمت مقابل ناچیز شمرده شود و یا اصلا دیده نشود. در حالی که هیچ خوب بدون عیب یا معیوب بدون حسن در دنیا نیست.

• مثال: هر چند خانه بزرگ داشتن، نظافتش نیز دشوار است، اما در برابر اتاق های بزرگتری و بیشتری

خواهیم داشت و مهمانی هایمان آبرومندان تر است و انبار و حیاط و پارکینگ هم داریم. (و البته زیر

بار قرض سنگینی هم میرویم!!!).

در حالی که قضاوت منصفانه است که امتیازدهی بعد از در نظر گرفتن همه حسن ها و عیب ها باشد.

## ۱۲. مغالطه خلط علت و دلیل

در میان عامه مردم معمولاً این دو را مترادف می دانند و گاهی نیز به جای هم به کار می برند. اما این دو با هم تفاوت دارند.

علت در برابر معلول است و مربوط به مقام ثبوت است و دلیل مربوط به مفاهیم ذهنی است و در مقام اثبات.

- مثال: علت تو برای اینکه آهن با حرارت منبسط می شود چیست؟ جواب بدهد: من آزمایش کرده ام. (آزمایش ها دلالت بر این قضیه دارند نه اینکه علت برای انبساط آهن با حرارت باشند).<sup>۴</sup>

مثال علمی ....

اگر رفتار انسان بر پایه دلیل گرائی باشد، ملازم با نظریه آزادی و اختیار انسان است و اگر برپایه علت گرائی باشد ملازم با نظریه جبر خواهد بود.

## ۱۳. مغالطه رد دلیل به جای رد مدعا

در این مغالطه فرد به جای رد مدعا، به رد ادله آن می پردازد.

لازم است سه مطلب از هم جدا شوند: ۱. خطا بودن مقدمات استدلال ۲. ناتوانی مقدمات از اثبات مدعا. ۳. خطا بودن اصل مدعا.

ولی اینطور نیست که همیشه با حصول خطا در دو مطلب اول و دوم، مطلب سوم نتیجه گرفته شود.

- مثال: من می توانم اثبات کنم که این فرد مجرم نیست. زیرا من اسنادی دارم که نشان می دهد که هیچکدام از شهودی که علیه وی شهادت داده اند در صحنه جرم حضور نداشته اند.

## نکته مهم

تنها در یک مورد خاص رد دلیل نه تنها مغالطه ای ایجاد نمی کند، بلکه کاملاً نقش منطقی برای رد مدعا ایفا می کند و آن مورد مسأله استقراست. از آنجا که در استقرا احکام جزئی به عنوان مقدمات و در واقع دلیل اثبات

<sup>۴</sup> مثال دیگر: این که ما انسان ها میل به خودنمایی داریم واضح است، زیرا اولاً این را در خودمان می یابیم. ثانیاً تحلیل رفتارهای بیرونی ما و .... منطبق

حکم کلی در نظر گرفته می شوند، لذا خدشه در مقدمات و رد دلیل موجب می شود که مدعا از کلیت ساقط شود.

#### ۱۴. مغالطه مناقشه در مثال

معمولا پس از استدلال و اثبات یک عقیده و نظر، مثال هائی به عنوان شاهد و مؤید اضافه می شود. حال اگر کسی در مقام مخالفت با آن نظر و عقیده، ذهن خود را متوجه مثال ها کند و به نقد و بررسی یا رد آنها بپردازد، مرتکب مناقشه در مثال شده است.

- تحقیقات جامعه شناسی نشان می دهد که نسل نوجوان کنونی نسبت به نسل گذشته، خیلی بی ادب شده اند..... مثلا همین دیروز نوجوان همسایه به من تنه زد و عذرخواهی هم نکرد. .... اما همسایه که پسر ندارد.

#### نکته مهم

اگر استدلالی مبتنی بر استقرا بود، با یک مثال نقض آن استدلال نیز ویران می شود و این مغالطه نیست.

#### ۱۵. مغالطه تخصیص

مغالطه تخصیص در جایی است که فرد بخواهد یک قاعده یا قانون کلی را با توجه به یک حالت خاص و استثنائی رد کند.

- اینطور نیست که هر کار انسان، نتیجه و پیامدهای خاصی برای او در پی داشته باشد. زیرا چه بسا بعد از انجام کاری، سنگی به سر فرد اصابت کند و او قبل از تحقق نتایج عملش مرده باشد.

با این نوع مغالطه سنگ بر سنگ بند نشده و هر قانونی را می توان نقض کرد.

#### نکته

این مغالطه گاهی مورد استفاده افراد هرج و مرج طلب قرار می گیرد و به این وسیله سعی می کنند هر قانونی را نقض کنند. مانند این استدلال فردی که اداره مالیات را آتش زده است:

«چه بسا کودک یتیمی به ناحق در اداره مالیات اسیر شده است و راهی جز آتش زدن اداره برای آزادی او نباشد. آیا در این صورت هم این کار جرم است؟ پس چرا شما مرا مجرم حساب می کنید؟»



مثال دیگر: استدلال برخی برای نقض حرمت شراب با برشمردن موارد ضروری و حالات مرگ و ...

### ۱۶. مغالطه بهانه

این مغالطه وقتی بیان می شود که فرد نخواهد پیشنهاد یا سخنی را بپذیرد و برای شانه خالی کردن متوسل به بهانه ای شود.

- مثال: شما که مرا اینقدر تشویق به نماز جماعت می کنید، هیچ فکر کرده اید که چه بسا من در مسجد باشم و خانه ام آتش بگیرد و کسی نباشد به من خبر دهد و خانواده ام دچار سوختگی و مرگ شوند؟؟؟
- من با اینگونه جلسات موافقم و برگزاری آنها را نیز ضروری می دانم. اما روزها کلاس و شبها مسائل خانواده و استراحت است و روزهای جمعه نیز ممکن است قم نباشم و ....

### ۱۷. مغالطه سؤال مرکب

این همان مغالطه ای است که قداما از آن تعبیر به «جمع مسائل در مسئله واحد» می کردند. برخی اوقات سؤال ساده است و فرد با «بله یا خیر» به راحتی به آن جواب می دهد. اما گاهی دو سؤال یک سؤال می شوند و فرد با قرار گرفتن در یک پیشداوری گیج می شود.

مثال: از کسی پرسیم: آیا تو از تنبلی خود دست برداشته ای؟ یا اختلاف تو با همسایه ات برطرف شد؟

فرد چه بله بگوید یا خیر، اعتراف به تنبلی خود و یا اختلافش با همسایه کرده است.

راه جواب به چنین مغالطاتی، تفکیک سؤالات و پاسخ جداگانه به آنهاست.

نوع دیگر این مغالطه....

برخی اوقات این فریبندگی مبتنی بر پیشفرض نیست و به طور واضح دو سؤال مطرح می شود. اما سؤالات به طوری ترکیب می شوند که پاسخ واحدی می طلبند.

- دوست داری بچه خوبی باشی و شیرینی نخوری؟
- چرا در این کارخانه امکانات بهداشتی و رفاهی وجود ندارد؟
- شما با افزایش کمیت و تولید و کاهش کیفیت موافق هستید؟

- باقیمانده اجناس و پولی که از من برداشتی کجا پنهان کرده ای؟

## فصل چهارم: مغالطات مقام دفاع

### ۱. مغالطه نکته انحرافی

این مغالطه شباهت زیادی به مغالطه «دلیل نامربوط» دارد. مغالطه نکته انحرافی وقتی صورت می گیرد که شخصی توجه مخاطب خود را از موضوع اصلی بحث به یک نکته کاملاً متفاوت و فرعی منحرف کند و سپس از این مقدمات فرعی و نامربوط نتیجه ای می گیرد و یا چنین وانمود می کند که نتیجه ای اخذ شده است.

- مثال: این ایام روزنامه ها و مجلات مطالب زیادی در مورد نیاز به ضد عفونی کردن میوه ها چاپ می کنند. به هر حال سبزیجات و میوه ها غذای اساسی برای سلامت انسان هستند. هویج منبع سرشاری از ویتامین آ، کلم پر از آهن و پرتقال و نارنگی سرشار از ویتامین ث هستند.

در مثل بحث بود که در مورد از بین بردن میکرب های احتمالی سبزیجات نیاز به ضد عفونی کردن هست یا نه؟ اما شخص بحث کننده موضوع بحث را به انواع میوه ها و سبزی ها و خصوصیات آنها کشاند.

### نکته

نام دیگر این مغالطه «مغالطه ماهی دودی» است. در این مغالطه فرد می خواهد شامه مخاطب را با بحث انحرافی و فرعی از بحث اصلی دور کند و با موفقیت در نتیجه بحث انحرافی، خود را در بحث اصلی نیز موفق نشان دهد.

این نام برگرفته از آزمایشی است که شکارچیان برای آزمودن سگ های شکاری به کار می برند. یعنی با کشیدن مقداری ماهی دودی بر رد پای شکار اصلی، سعی می کنند شامه سگ را منحرف کنند که سگ های باهوش بوی اصلی را با بوی ماهی دودی اشتباه نمی کنند.

### ۲. مغالطه شوخی بی ربط

این مغالطه زمانی اتفاق می افتد که فردی در میان مباحثه حس کند که استدلال او ضعیف است و نمی تواند به مستشکل پاسخ دهد، پس یک موضوع طنز یا شوخی که ربطی به بحث ندارد پیش می کشد و به این ترتیب سعی می کند که توجه مخاطبان خود را از موضوع بحث و استدلال منحرف سازد.

البته در برخی مواقع انتظار می رود فردی که مشغول بحث جدی است و با سخن بی ربط دیگران مواجه می شود، بتواند با حاضر جوابی اشراف خود بر بحث را حفظ کند.

- مثال: در کلاس زیست شناسی معلمی در مورد خوک صحبت می کرد که دانش آموزی پرسید پاهای خوک چند انگشت دارد، معلم که پاسخ سؤال را نمی دانست جواب داد: کفشت را در بیاور و نگاه کن.

### ۳. مغالطه توسل به واژه های مبهم

در فصل اول هم در «واژه های مبهم» صحبت شد. اما این مغالطه گاهی نیز در مقام دفاع رخ می دهد که شخص -جدای از اینکه واقعا با قصد از واژه ای مبهم استفاده کرده است یا نه- بعد از مشخص شدن اشتباهش، سعی می کند با تفسیر جدیدی از واژه های مبهم سخن خود، در مقام توجیه و دفاع برآید.

- مثال: بله، عرض کرده بودم که بنده تا حدودی با ایشان آشنا هستم و تا جایی که می دانم به طور کلی آدم بدی نیست، اما اینکه می گوئید با یک باند قاچاق رابطه دارد بعید نیست.

### ۴. مغالطه توسل به معنای تحت اللفظی

در این مغالطه فرد از کلماتی استفاده می کند که در میان مردم دارای معنای خاص متعارف و پذیرفته شده است. ولی او به هنگام ضرورت از این معنای متعارف فرار کرده و به یک معنای تحت اللفظی متوسل می شود. مثلا تبادر از جایزه بلیط سفر زیارتی برای برندگان تهران، غیر از زیارت امام خمینی و یا حضرت عبدالعظیم حسنی است. اما فرد در پایان مسابقه این زیارتگاه های نزدیک را برای تهرانی ها معرفی کند.

یا تبادر از کشیدن خط تلفن، خط تلفنی است که دارای بوق باشد، اما اداره مخابرات بعد از کوتاهی در وصل بوق در تلفن بگوید: ما گفته بودیم خط تلفن می کشیم، نه اینکه حتما بوق هم داشته باشد.

### ۵. مغالطه تغییر تعریف

مغالطه تغییر تعاریف وقتی اتفاق می افتد که کسی برای توجیه اظهارات اولیه خود در هنگام برخورد با موارد نقض و خلاف، معنای کلمات را تغییر دهد.

- مثال: شما هیچ تجربه مدیریتی ندارید. / ولی من فارغ التحصیل این رشته هستم و مسئولیت چند گروه دانشجویی را به عهده داشته ام و .... / منظورم این است که مدیریتت زمان ندارید و برنامه شما نامنظم است.

## ۶. مغالطه تغییر موضع

در این مغالطه نیز همچون سه مغالطه قبل، هدف توجیه ادعای اولیه است. در این مغالطه نیز پس از آشکار کردن خطای یک مدعا، شخص برای اینکه به آن خطا اعتراف نکند از موضع جدیدی وارد می شود و می گوید که آن مدعا از موضع و دیدگاه دیگری مطرح شده بود.

- مثال: چون آن جلسه یک جلسه عمومی بود، من به عنوان یک شخص عادی اظهار نظر کردم و گفتم این طرح، طرح بدی نیست، اما اگر بخواهیم برخورد کارشناسانه داشته باشیم، همان طور که آقایان فرمودند نقاط ضعف این طرح خیلی زیاد است.

## ۷. مغالطه استثنای قابل چشم پوشی

در این مغالطه، فرد چنان با شدت و قوت از عقیده خود دفاع می کند که پیدا شدن نقض بر کلیت قاعده اش را، باعث نقض کلیت قاعده اش نمی داند.

- مثال: فلاسفه همیشه سرشان به کار خودشان بوده است و گرفتاری در توهماتشان، جایی برای توجه به مسائل اجتماعی برای آنان باقی نمی گذاشت..... پس سقراط، افلاطون و ابن سینا و ... را چه می گوئید؟ ..... اینها استثنائاتی هستند که می توان از آنها چشم پوشی کرد.

## ۸. مغالطه خودت هم

این مغالطه شیوع زیادی دارد. هر گاه به کسی اعتراض شود که کارش خطاست، فرد خطاکار برای نپذیرفتن خطایش می گوید: خودت هم که این خطا را مرتکب شده ای!!!

- مانند: پدر! تو چگونه مرا از سیگار کشیدن منع می کنی در حالی که خودت هم در نوجوانی سیگار می کشیده ای؟؟

باید توجه داشت که تناقض بین گفتار و رفتار افراد در گذشته و حال، دلیل بر بطلان موضع کنونی آنها نمی باشد.

- حرف های او در مورد کنترل جمعیت ارزش ندارد، زیرا او قبلا طرفدار طرح کمک به خانواده های پرجمعیت بوده است.

ضرب المثل معادل: دیگ به دیگ میگه روت سیاه.

## ۹. مغالطه تبعیض طلبی<sup>۵</sup>

منظور از تبعیض طلبی به عنوان یک مغالطه، این است که کسی انتظار داشته باشد رفتار و گفتار او با معیاری متفاوت با دیگران مورد قضاوت قرار گیرد. به عبارت دیگر، او توقع دارد که از قوانین کلی استثناء شود و مورد حمایت ویژه قرار گیرد.

با ما به از آن باش که با خلق جهانی.

تبعیض طلبی یک حالت روانی و نشأت گرفته از حب ذات است که فرد می خواهد خوبی هایش پررنگ تر دیده شود و از سوی دیگر، در بدی هایش با تساهل و تسامح برخورد شود.

- مثال: اگر چه به طور کلی درست است که نباید در زندگی شخصی افراد دخالت کرد، اما در این مسأله بر من به عنوان یک خبرنگار خرده نگیرید.

## ۱۰. مغالطه رها نکردن پیش فرض

حالت طبیعی این است که هر یک از ما اجازه دهد که وقایع خارجی، پیش فرض ها و داوری های ما را اصلاح کند؛ یعنی وقتی با حقیقتی برخورد کردیم که با پیش فرض های ما مغایرت داشت، باید به تصحیح پیشفرض های خود بپردازیم و آن را مطابق حقیقت سازیم. اما اگر کسی مبنای قضاوت خود را همان پیش فرض ها قرار دهد و آنها را ملاک رد و قبول حقائق خارجی بداند، دچار این مغالطه شده است.

- مثال: همه پزشک ها برای منافع شخصی خود کار می کنند. اگر در جایی دیدید که پزشکی خدمات رایگان ارائه می کند، بدانید که کاسه ای زیر نیم کاسه است.

<sup>۵</sup> در کتاب منطقی پیشرفته این مثال برای عنوان «یک بام و دو هوا» آمده است.

## داستان کشیشان مسیحی و تلسکوپ گالیله

«ما نیازی نداریم که از پشت تلسکوپ نگاه کنیم، زیرا می دانیم که تنها هفت فلک وجود دارد. اگر تو بیشتر از هفت فلک می بینی، یا چشمت معیوب است و یا تلسکوپ خراب است.»

نمونه جدی مغالطه رها نکردن پیشفرض بحث برخی از دانشمندان غربی درباره منشأ دین است. برخی از آنها که سابقه گرایش های نفسانی و مادیگرایانه داشته اند، دین و مذهب را نوعی انحراف در اعتقادات بشر تلقی می کرده اند.

### ۱۱. مغالطه البته، اما

مصادق بارز وقوع این مغالطه در جایی است که کسی هنگام سخن گفتن خطائی را مرتکب شود و گمان کند اشاره و توجه به آن خطا برای مبرا کردن او از آن خطا، کافی است. به عبارت دیگر، شخص برای این که نسبت به ارتکاب آن خطا مورد اعتراض قرار نگیرد به خطا بودن آن سخن اشاره کرده و گمان یا وانمود می کند که چون او این خطا را جاهلانه و غافلانه انجام نمی دهد، نباید مورد اعتراض قرار گیرد.

- البته من توجه دارم که وقت من تمام شده و ده دقیقه هم گذشته، اما خوب است به این نکته توجه داشته باشید که ....
- شاید بگوئی غیبت می شود. نمی خواهم غیبت او بکنم. اما آدم خیلی تنبلی است ...
- بله، البته حرف شما کاملاً متین است و من اشکالتان را قبول دارم، اما شما هم توجه داشته باشید که ما حق داریم این موضع را بگیریم.

### فصل پنجم: مغالطه در استدلال (۱)؛ مغالطات صوری

مغالطات قبل در مقام بیان یک مدعا، یا در نقد و دفاع رخ می داد و مشتمل بر مقدمات و نتیجه ای نبود و حيله و ترفند جایگزین استدلال می شد.

اما مهم تر از این مغالطات، مغالطاتی هستند که در فرایند خود استدلال، لغزش و خطا ایجاد می کنند.

اهمیت اینگونه مغالطات به قدری است که در بسیاری از کتب منطقی، اصطلاح مغالطه را به عنوان «استدلال غیر معتبر» تعریف می کنند.

عدم اعتبار یک استدلال ممکن است به یکی از دو دلیل زیر باشد:

۱. یکی از مقدمات استدلال نادرست باشد.

۲. علی رغم درستی مقدمات، نظم و صورت استدلال نادرست باشد.

استدلال از این نظر شبیه ساختمانی است که باید هم مصالح آن سالم و بدون عیب باشد و هم شکل آن بر اساس اصول صحیح ساخته شده باشد.

مغالطاتی که در این فصل به توضیح آن می پردازیم، استدلال هائی هستند که در آن ها نظم و صورت صحیح رعایت نشده و لذا آن ها را مغالطات صوری می نامند.

### ۱. مغالطه عدم تکرار حد وسط

منطق دانان گفته اند که در یک قیاس محور حد وسط است که اگر به آن اخلال ایجاد شود، موجب اخلال در کل قیاس می شود.

حد وسط دارای دو شرط است: در هر دو مقدمه به یک معنا باشد و در هر دو مقدمه به طور کامل تکرار شود.

مثال

• دیوار موش دارد/موش گوش دارد / پس دیوار گوش دارد.

(در استدلال فوق، حد وسط به طور کامل تکرار نشده است: دیوار دارای موش است، و موش دارای گوش است).

• من به او بدهکار هستم. او به تو بدهکار است، پس من به تو بدهکارم. (برای واضح تر شدن مغالطه بودن این عبارت، به جای واژه بدهکار بنویسید «بدبین». آنگاه می شود: من به او بدبین هستم، او به تو بدبین است، پس من به تو بدبینم).

### حل این مغالطه

برخی از مفاهیم «تعدی پذیر» و برخی «تعدی ناپذیر» هستند.

مفاهیم تعدی پذیر مانند: مساوی بودن، بزرگتر بودن و بلندتر بودن. در مورد این مفاهیم می توان گفت: الف از ب بزرگتر است و ب از ج بزرگتر است پس الف از ب بزرگتر است.

مفاهیم تعدی ناپذیر مانند: بدهکار بودن، بدبین بودن و دوست و دشمن بودن و .... قابل سرایت نبوده و نمی توان گفت: الف با ب دوست است، ب با ج دوست است، پس الف با ج دوست است.

## ۲. مغالطه وضع تالی

از جمله قیاس های منطقی، قیاس استثنائی است دارای چهار صورت است:

وضع مقدم: نتیجه: وضع تالی.

رفع مقدم: نتیجه آن همواره صادق نیست. پس عقیم است.

وضع تالی: نتیجه همواره صادق نیست، پس عقیم است.

رفع تالی: نتیجه: وضع مقدم.

پس در بین چهار صورت فوق، تنها دو صورت منتج است: وضع مقدم و رفع تالی.

پس این استدلال درست است:

اگر باران بیارد، زمین خیس می شود.

باران می بارد.

پس زمین خیس است.

زیرا وضع مقدم، وضع تالی را به دنبال دارد.

ولی اگر کسی بخواهد با وضع تالی، به وضع مقدم برسد دچار مغالطه شده است.

اگر باران بیارد زمین خیس می شود.

زمین خیس است.

پس باران باریده است.



غلط بودن این استدلال به این خاطر است که وضع تالی می تواند مرتبط با علل جایگزین دیگری باشد.

• اگر کشورهای همسایه به دنبال صلح باشند، به ارتباطات فرهنگی با ما بهای بیشتری می دهند.

آنها به ارتباط با ما بها می دهند.

پس به دنبال صلح هستند.

(شاید به دلیل انتخاب جنگ نرم گزینه ارتباط فرهنگی را برگزیده اند و صلح طلب نباشند).

### راه حل فرار از این مغالطه

بهترین کار این است که در پاسخ، یک «وضع تالی» دیگر انجام شود. یعنی نشان دهیم با وضع تالی دیگر هم می توان این مقدم را بدست آورد و تالی بیان شده تنها معلول این مقدم نیست و می تواند علت های دیگری هم داشته باشد.

او در بحث های اجتماعی و گروهی شرکت نمی کند، پس دچار سرخوردگی و عقده حقارت است.

(اتفاقا انسان های وارسته و دانشمند نیز از جمع فراری بوده و در فعالیت های گروهی شرکت نمی کنند).

### ۳. مغالطه رفع مقدم

همانطور که در مغالطه قبل بیان شد، تنها دو صورت وضع مقدم و رفع تالی دارای نتیجه است. این مثال درست است:

اگر باران ببارد زمین خیس می شود.

زمین ها خیس نشده اند.

پس باران نیامده است.

با رفع تالی، می توان به رفع مقدم رسید. اما رفع مقدم نتیجه اش رفع تالی نیست.

.... باران نیامده است.

پس زمین خیس نیست.

مثال:

اگر کسی پرخوری کند، بیمار می شود.

او پرخوری نکرده است.

پس او هرگز بیمار نمی شود. (هر چند شیشه و خاک و .... بخورد).

#### ۴. مغالطه مقدمات منفی

یکی از شرائط انتاج قیاس، آن است که مقدمات هر دو منفی نباشند.

هیچ دست فروشی نانوا نیست و هیچ نانوائی ماهی گیر نیست. بنابراین هیچ دست فروشی ماهی گیر نیست.

برای کشف بهتر مغالطه بودن مثال فوق به جای کلمه ماهی گیر، کلمه کور را بگذارید.

هیچ دست فروشی نانوا نیست و هیچ نانوائی کور نیست، پس هیچ دست فروشی کور نیست!

#### علت وقوع این مغالطه ...

علت وقوع این مغالطه آن است که فکر می شود وقتی موضوع الف با ب ارتباط ندارد و ب با ج ارتباط ندارد، پس الف با ج ارتباطی نخواهد داشت. در صورتی که این فکر نمی تواند همیشه درست باشد. مانند جائی که مجموعه الف و ب هر دو با هم مساوی و با ج مابین باشند.

#### ۶. مغالطه مقدمات ناسازگار (متناقض)

در این مغالطه، چون هر دو مقدمه نمی توانند با هم درست باشند، پس قطعاً یکی نادرست است و نتیجه استدلال نیز نمی تواند درست باشد.

مثال: همه انسان ها صلح جو هستند. اما این انسان ذاتاً شرور است و به دنبال مردم آزاری است. پس او انسان نیست!!

#### مثال دیگر ....

• او در رشته خود کاملاً ماهر و کارکشته است، البته گاهی مانند آماتورها مرتکب اشتباهات بزرگی می شود.

از علائم این مغالطه آن است که گاهی نتیجه های متناقضی از آن بدست می آید. مثلا در مثال فوق، هم می توان گفت او سرپرستی گروه را دارد و هم می توان گفت او واقعا غیر قابل اعتماد است.

### ۶. مغالطه افراد غیر موجود

این قاعده منطقی ممکن است عجیب به نظر برسد که گاهی یک جمله حکمی کلی را بیان می کند، اما نمی توان حکم کلی را در مورد برخی افراد آن به کار برد.

در این مغالطه فرد می خواهد با استدلال کردن نتیجه بگیرد که افراد موضوعش وجود خارجی دارند. در صورتی که مقدمات چنین چیزی را نمی رسانند.

همه خطاهای او بخشیده می شود. (تلویحا رسانده می شود که او خطائی دارد).

- مثال: هیچ حیوانی نمی تواند در کره مریخ تنفس کند و در حیوانی که نتواند تنفس کند به علت کمبود اکسیژن می میرد. بنابراین، برخی حیوانات در کره مریخ در اثر کمبود اکسیژن به زودی می میرند.

### ۷. مغالطه ایهام انعکاس<sup>۶</sup>

یکی از مباحث مهم منطق، بحث «عکس قضایا» است. منظور از عکس تغییر جای طرفین قضیه است. این عکس ها با شرایطی می تواند درست باشد. اما اگر نتیجه ای بخواهد بدون رعایت شرایط عکس حاصل شود مغالطه است.

- اگر کسی در ایران به دنیا بیاید فارسی بلد است، پس هر که فارسی بلد است در ایران به دنیا آمده است.
- هر دانشجویی دیپلمه است، پس هر دیپلمه ای نیز دانشجویست.

### ۸. مغالطه سوء تالیف

اگر در استدلالی یکی از قواعد و شرایط تالیف قیاس رعایت نشود، مغالطه سوء تالیف صورت گرفته است.

<sup>۶</sup> این ایهام می تواند در عکس مستوی و نیز عکس تقيض باشد. منطق پیشرفته، ص ۱۳۳.

(این مبحث باید با توجه به شرایط قیاس اقترانی و استثنائی و شکل های چهارگانه قیاس مورد بحث قرار گیرد).

### فصل ششم: مغالطه در استدلال (۲)؛ مغالطات ناشی از یک پیش فرض نادرست

در صورت جایگزین شدن پیشفرض های غلط به جای مقدمه دوم (کبرای قیاس)، بی نهایت استدلال نادرست قابل تصور خواهد بود که همه مغالطه و خطا در ذهن هستند. اما در بین این گروه، مواردی وجود دارد که از شیوع بیشتری برخوردارند. این فصل به بررسی این گونه موارد خواهد پرداخت.

#### ۱. مغالطه سنت گرائی

این مغالطه جایی است که کسی کهنه و قدیمی بودن مطلبی را دلیل درستی و یا خوبی آن بداند.

سنت گرائی و میل به پذیرش اعتقاد گذشتگان، گرایش رایجی بین مردم است که این قدمت نمی تواند دلیلی بر صحت رفتار و اعتقادات آنان باشد.

- مانند: باور به سیزده بدر و چهارشنبه سوری.

از جمله موارد ملحق به این مغالطه عادات غلط شخصی است.

- مثال: من از بیچگی عادت کرده ام درازکش کتاب بخوانم، باز شما می گوئید از نظر علمی غلط است؟

#### ۲. مغالطه عدم سابقه

این مغالطه برگرفته از این فکر است که هر چیز خوب و با ارزشی تاکنون انجام شده و همه مطالب درست تاکنون بیان شده اند و جایی برای کار یا حرف خوب جدیدی نیست.

اگر ورزش صبحگاهی خوب است، پس چرا گذشتگان چنین کاری را انجام نمی داده اند؟

تفاوت این مغالطه با سنت گرائی آن است که در سنت گرائی، عمل گذشتگان مستند خوبی یک کار قرار می گرفت و در اینجا عدم سابقه در میان گذشتگان ملاک بدی چیزهای جدید قرار می گیرد.

## نکته

مغالطه عدم سابقه را می توان مغالطه محافظه کاران دانست. سیاست محافظه کاری این است که شخص تمام تلاش خود را معطوف بر حفظ وضعیت موجود و مخالفت با هرگونه تغییر و تحول می کند.

نمونه این مغالطه را می توان در مورد روحانیون قبل از انقلاب دید که امام می فرمودند: «چند صد سال تبلیغ کرده اند که ما را به سیاست چه کار؟ به گونه ای که خودمان هم باور کرده ایم ..... آقا سیاست را بگذار برای اهلش!!! ما دین می گوئیم».

## ۳. مغالطه تجدد

همانطور که اگر کسی گمان کند قدمت یک اندیشه و عمل نشانه درستی آن است، دچار مغالطه شده است، توهم درستی و صحت همه چیزهای جدید نیز خود یک مغالطه است.

مغالطه تجدد وقتی است که کسی بخواهد از نو بودن چیزی، صحت و اعتبار آن را نتیجه بگیرد.

- مثال: شما با سخن من مخالفت می کنید؟ هیچ می دانید این حرف مطابق با جدیدترین نظریه ها و تحلیل های جامعه شناسی روز است؟

## ۴. مغالطه سنت گریزی

خلاصه سه مغالطه قبل اینگونه بود:

این مطلب قدیمی است، پس درست است: سنت گرائی.

این مطلب جدید است، پس درست است: تجدد.

این مطلب جدید است، پس غلط است: عدم سابقه.

در مغالطه سنت گریزی، سخن یا رفتاری تنها به خاطر قدیمی بودن، مورد خدشه و رد قرار می گیرد.

مثال: این سخن مربوط به قرون وسطی است. پس به آن کاری نداریم ...

قوانین جزائی اسلام مربوط به بیش از هزار سال پیش است و نباید انتظار داشت پاسخگوی مسائل امروز باشند.

### ۵. مغالطه برتری فقر

افراد فقیر گرچه ممکن است واقعا افراد صادق، ساده و قابل ترحمی باشند، اما این به این معنا نیست که حق همیشه در سمت آنان باشد.

- او تارک دنیا و تعلقات دنیوی است. پس می توانی به او اعتماد کنی!
- بهترین دیدگاه در این مسئله را من از زبان یک دستفروش دوره گرد شنیدم که .....

آنچه در اینجا به نفع این مغالطه تمام می شود این است که فکر کنیم کسانی که دنیا را ندارند و از جمع ثروت خودداری می کنند، به خاطر دوری از اهداف مادی قطعا درست می گویند. در صورتی که چه بسا او بخواهد با این روش کسب قدرت و جاه کند و یا نیز افراد مستمند در برخی موارد به خاطر نیازهای مادی، بیشتر در معرض لغزش هستند.

### ۶. مغالطه برتری ثروت

در این مغالطه چنین فرض می شود که پول و ثروت افراد ملاک اندازه گیری و صحت گفتار و رفتار آنان است. به این معنا که هر که پول دارتر است، احتمال صحت سخنش بیشتر است.

- کسی که در چند بانک جهانی دارای حساب کلان است ممکن نیست در تحلیل شرائط موجود اشتباه کرده باشد.....
- سخن مشرکان: ... اگر او پیامبر است چرا قصر و ثروت آنچنانی ندارد. (سوره زخرف، آیات ۵۱-۵۳).

### ۷. مغالطه توسل به اکثریت

خلاصه مغالطه توسل به اکثریت ان است که «حق با اکثریت است»، یعنی اگر در مجموعه ای تعداد زیادی از اعضا از یک نظریه حمایت کردند باید به صحت این نظریه اذعان کرد.

- مثال: اکثریت شهروندان در شهرهای بزرگ در آپارتمان های کوچک زندگی می کنند. شما هم باید این را بپذیرید.

## نکته

اگر بنا بود که صحت یک اندیشه از روی تعداد طرفداران آن شناخته شود، هیچ ایده جدیدی پذیرفته نمی شد. چون یک نظریه همیشه ابتدا طرفداران اندک دارد و با گذشت زمان و بیشتر شدن ادله اش طرفداران بیشتری پیدا می کند.

### ۸. مغالطه علت شمردن امر مقدم

ارتکاب این مغالطه ناشی از این پیش فرض خطاست که هرگاه دو حادثه متعاقبا و پس از یکدیگر اتفاق می افتند، صرفا به خاطر همین تعاقب می توان حادثه اول را علت حادثه دوم دانست.

- نوشتیدن زرشک برای رفع سردرد مفید است. یکبار وقتی من سردرد شدیدی داشتم این کار را کردم و به سرعت خوب شدم.
- عطسه نحس است، هر وقت من عطسه کردم و کاری را آغاز کردم شکست خوردم!!!

### ۹. مغالطه علت شمردن امر مقارن

در این مغالطه این پیشفرض وجود دارد که هرگاه دو حادثه با هم اتفاق بیفتند، می توان یکی را علت و دیگری را معلول به حساب آورد.

- مانند همزمانی مبارزه با دین و اخلاق و تحول صنعتی در اروپا.
- مثال: برگزاری انتخابات باعث افزایش خرید و فروش شده است. (انتخاباتی که در اواخر اسفند اتفاق افتاده است و مردم به خاطر عید خرید کرده اند نه انتخابات!!!).

### ۱۰. مغالطه ترکیب

ارتکاب این مغالطه جایی است که وقتی اجزاء یا افراد یک مجموعه دارای وصفی باشند و حکم شود که کل مجموعه نیز دارای آن وصف است.

- مثال: این دستگاه بهترین دستگاه است، زیرا تمام قطعات آن از بهترین نوع موجود در بازار تهیه شده است.

براستی آیا می توان گفت اگر مصالح یک ساختمان بهترین باشند، ساختمانی هم که با آنها بنا می شود بهترین ساختمان از نظر طرح و استحکام خواهد بود و یا عوامل دیگری نیز در اینجا مؤثر هستند؟

- مثال: مردم ایرلند در جوانی می میرند و زیاد عمر نمی کنند، پس فرهنگ آنها نیز نباید دارای سابقه زیادی باشد.

و نیز چه بسا جمع بهترین فوتبالیست ها یا بهترین ارکسترها نمی توان حتما بهترین بازی و موزیک را به ما ارائه دهد.

### ۱۱. مغالطه تقسیم

این مغالطه عکس مغالطه ترکیب است.

در این مغالطه وصفی که برای کل مجموعه است، به افراد آن سرایت داده و چنین نشان داده می شود که حتما اجزاء آن مجموعه نیز وصف کل را دارند.

- مثال: او در یک مؤسسه بسیار مهم کار می کند، بنابراین او نیز باید آدم مهمی باشد!!
- فلان دستگاه بسیار سنگین است، پس اجزاء آن نیز باید سنگین باشند!!
- در این دانشگاه سه رشته حسابداری، مدیریت و اقتصاد تدریس می شود، پس این دانشجو نیز دارای سه مدرک است.

### ۱۲. مغالطه میانه روی

در این مغالطه پیشنهاد داده می شود که بین دو نظر مخالف، نظر میانه به عنوان نظر صحیح برگزیده شود، بدون اینکه هیچ ملاک دیگری در این انتخاب لحاظ شود. بنابراین در این مغالطه، میانه روی نشانه صحت و اعتبار یک سخن است.

- مثال: انجمن های کارگری درخواست بیست درصد درآمدها را داشتند و وزارتخانه تنها با دو درصد موافق بود. در نهایت بر پانزده درصد کنار آمدند. (یعنی اگر کارگران درخواست پنجاه درصد را داشتند، میانه بالاتر می رفت).



## نکته

در مغالطه میانه روی، در واقع از این احساس فطری که باید اهل میانه روی بود و افراط و تفریط غلط است سوء استفاده می شود. قطعاً میانه روی در خوردن و آشامیدن و بسیاری از عواطف و احساسات بجا است، اما این دلیل نمی شود که در هر استدلالی بتوان با انتخاب میانه دو نظر به نظر صحیح رسید. مخصوصاً وقتی هر دو نظر غلط باشد. (مثلاً در بین دو ایده  $2+2$  برابر ۵ یا برابر ۷، کدام درست است؟).

• مثال: من در دوره مسئولیتیم اهل اعتدال و میانه روی بوده ام. سیاستی میانه که نه جانبدارانه باشد و نه بیطرفانه ..... (و می توان افزود که سیاستی بین صدق و کذب، فضیلت و رذیلت و ....).

سؤال: در جامعه ای که برخی خیلی دروغ می گویند و برخی بسیار راستگویند یا جامعه ای که برخی برهنه اند و برخی بسیار پوشیده، با صحیح دانستن میانه روی، چه کار باید کرد؟ اصلاً در این موارد می توان میانه ای در نظر گرفت؟

از جمله بازی های سیاسی آن است که برخی احزاب حد بالاتر و افراطی را در نظر می گیرند بتوانند خواسته اصلی خود را با شعار اعتدال بگیرند.

## ۱۳. مغالطه قماربازان

این مغالطه را از آن رو به قماربازان نسبت داده اند که این گروه معمولاً در مسئله وقوع شانس و اتفاق منطق خاص خود را دارند و گمان می کنند که در یک مسئله اجتماعی، نتیجه یک بار امتحان کردن در نتیجه بعد مؤثر است. خطای آنان به این خاطر است که احتمال یک حادثه به طور مستقل را با احتمال آن حادثه در سلسله حوادث خلط می کنند. مثلاً اگر سکه ای را انداختیم و ۴ بار متوالی به رو افتاد، آنان این حوادث را در بار پنجم مؤثر می دانند و فکر می کنند که احتمال رو آمدن سکه در مرتبه پنجم بسیار کم است. (مثلاً ۱ در ۱۶) در حالی هنوز هم این احتمال یک به دو است.

• مثال: او دارای سه فرزند است که هر سه دخترند، مسلماً فرزند بعدی او پسر خواهد بود.

و چه بسا کسی بخواهد یا استفاده از این مغالطه، همه شواهد قبل را به نفع خود در آینده استفاده کند:

• سه چهار نفری که قبلاً برای این مسئولیت گذاشتیم، همه نالایق در آمدند، اما این دفعه مطمئن باشید که

نامزد معرفی شده، فرد شایسته ای خواهد بود!!

### فصل هفتم: مغالطه در استدلال (۳)؛ مغالطات ربطی

در مغالطات این بخش می بینید که صرف نظر از مغالطات صوری و مغالطاتی که ناشی از یک پیشفرض نادرست می باشد، در این گروه رابطه مقدمات و نتیجه استدلال، ضعیف و غیرقابل دفاع است.

به این صورت که یا استدلال متشکل از قیاسی است که مقدمات آن نادرست است و یا اصلاً استدلال قیاسی نیست و استقراء و یا تمثیل است.

#### ۱. مغالطه قیاس مضمَر مردود

قیاس مضمَر قیاسی است که یکی از مقدمات یا نتیجه آن، حذف شده باشد.

علت این حذف یا بداهت محذوف برای مخاطب است؛ مانند:

مگر نه اینکه ما مسلمان هستیم، پس نباید این همه اختلاف داشته باشیم. (اصل استدلال: ما مسلمان هستیم. مسلمان با مسلمان اختلاف ندارد. پس ما نباید با هم این همه اختلاف داشته باشیم).

اگر خدا خداست که پاداش خوبی به نیکوکاران می دهد. (کبری؛ و خداوند خداست. پس پاداش خوبی به نیکوکاران می دهد).

گاهی نیز علت حذف، خطا بودن مقدمه است.

• مثال: فلانی با دشمن سخن می گوید، پس خائن است. (مقدمه حذف شده: هر کس با دشمن سخن بگوید خائن است).

• فلانی دزد است، چون شب ها در کوچه ها پرسه می زند. (مقدمه محذوف: هر که شب ها در کوچه پرسه می زند دزد است؛ شاید یاسبان باشد!!).

• مثال: اگر با دیگرانش بود میلی / چرا ظرف مرا بشکست لیلی

#### ۲. مغالطه یا این یا آن

مقدمه: قیاس بر دو نوع است. اقتراعی و استثنائی.

در قیاس استثنائی حقیقی و یا مانعه الخلو، از رفع یک طرف به وضع طرف دیگر می رسیم. یعنی در جائی که دو فرض احتمال داشته باشد، دیگر احتمال فرض سوم نمی رود.

اما اگر در واقع احتمال دیگری هم فرض بشود، این استثناء نتیجه درستی نخواهد داشت.

مثال درست: عدد زوج است یا فرد. این عدد زوج نیست، پس فرد است.

- مثال نادرست: مردم دنیا دو دسته اند. یا با سواد و فهمیده، یا بی سواد و احمق. پس اگر نمی خواهی بی سواد و احمق باشی، درس بخوان.

مغالطه «یا این یا آن» در ظاهر مانند قیاس استثنائی منفصل است، اما شرط آن را رعایت نکرده و به گونه ای ما را بین دو راه مخیر می کند که راه یا راه های دیگری هم وجود دارد.

در برخی کتاب ها این مغالطه به نام «سیاه و سفید» شناخته می شود.

برخی مفاهیم به گونه ای هستند که تشکیکی نیستند و بین آنها درجاتی فرض نمی شود مانند مرده و زنده.

اما برخی مفاهیم دارای درجات زیادی هستند که توجه نکردن به مراتب آنان باعث مغالطه «یا این یا آن» می شود.

### ۳. مغالطه ذوالحدین جعلی

بدون در نظر گرفتن حالت مغالطه ای این قیاس، قیاس ذوالحدین از قیاس های معتبر است.

این قیاس از دو مقدمه تشکیل شده است؛ مقدمه اول یک ترکیب عطفی از دو قضیه شرطی است. مقدمه دوم یک ترکیب فصلی از دو قضیه حملی است.

این قیاس صحیح و نتیجه آن «ترکیب فصلی تالی قضایای شرطی» است.

اگر فرزند ما پسر باشد نام او را مصباح می گذاریم و اگر دختر باشد او را هدی می نامیم.

فرزند ما یا پسر است و یا دختر.

پس نام ما یا مصباح است و یا هدی.

اما در ذوالحدین جعلی یا دروغین، یکی از مقدمات نادرست است. به این صورت که یا نسبت شرطی بین قضایای آن نیست و یا ترکیب فصلی منحصر به موارد مذکور نباشد.

مثال: مادری در یونان باستان فرزندش را با این نصیحت از ورود به دنیای سیاست بازمی داشت.

• «پسرم وارد عالم سیاست نشو.

زیرا در عالم سیاست اگر راست بگویی مردم از تو منزجر خواهند شد و اگر دروغ بگویی خدایان از تو ناراحت می شوند. و تو چاره ای جز این نداری که یا راست بگویی و یا دروغ. پس به ناچار یا مردم از تو بیزار می شوند و یا خدایان از تو رویگردان می شوند».

## راه مقابله با این مغالطه<sup>۷</sup>

راه حل گرفتن شاخ: هر چند ما تقسیم بندی را قبول می کنیم، اما نتایج شروط را نپذیریم. (مثلا در مثال قبل، فرزند بگوید: اینطور نیست که راستگو بودن من باعث تنفر مردم شود، بلکه آنها به من احترام خواهند گذاشت).  
راه حل عبور از میان شاخ ها: فرد باید نشان دهد که راه های انتخابی بیشتر از آن چیزی است که مغالطه کننده پیشنهاد داده است. (مثلا فرزند بگوید: من می توان گاهی راست بگویم و گاه دروغ، و یا شغلی انتخاب کنم که نیاز به سخن گفتن با مردم نداشته باشد).

راه دیگر .....

راه دیگری هم هست که فرد کل مغالطه را زیر و رو کند و به نتیجه ای خلاف نتیجه مغالطه کننده برسد.

مادر! من وارد عالم سیاست خواهم شد. زیرا اگر دروغ بگویم مردم از من راضی می شوند و اگر راست بگویم مورد رضایت خدایان خواهم بود. پس من چه راست بگویم و چه دروغ، به هر حال مورد تأیید خدایان یا مردم خواهم بود.

## ۴. مغالطه خلط نسبت

نسبت یعنی وجود نوعی رابطه بین دو مفهوم و یا شیء.

مثل نسبت های متقارن (نسبت برادری یا همسری) و نسبت های متعدی (تساوی، کوچکی و بزرگی و ....).

اگر این نسبت غیرمتقارن باشد ولی با آن معامله متقارن بکنیم، دچار مغالطه شده ایم.

• مثال: این کارمند خیلی به رئیس احترام می گذارد، پس قطعا او پیش رئیس محترم است.

<sup>۷</sup> برای رد قیاس ذوالحدین جعلی سه راه وجود دارد. ۱. عبور از میان دو شق ۲. رد ملازمه ۳. معارضه یا زیر و رو کردن قیاس. (منطق پیشرفته، ص ۱۴۹)

• او علی دائی را دوست دارد، پس حتما علی دائی هم او را دوست دارد.

یا در مفهومی که تعدی ناپذیر است معامله تعدی پذیر کنیم.

• مثال: رابطه حمید با علی شکرآب است. علی نیز دیروز با حسن دعوا داشت. پس حمید با حسن اختلاف دارد.

## ۵. مغالطه دلیل نامربوط

مقدمات و ادله ای که در یک برهان به کار می روند، باید با نتیجه رابطه منطقی داشته باشند؛ و گرنه نتیجه بدست آمده مغالطه خواهد بود. مانند موارد زیر:

الف: دلیل اخص از مدعا باشد. این مورد وقتی است که مقدمات نتوانند کل مدعی را ثابت کنند و تنها توانائی اثبات بخشی از آن را داشته باشند.

مثال: در سال گذشته، تنها از طریق صادرات دانه های روغنی و خشکبار به کشورهای عربی و چند کشور اروپائی میلیون ها دلار عائد کشور شد. به نظر می رسد بهترین راه اصولی برای تنظیم اقتصاد کشور سرمایه گذاری جدی برای صادرات محصولات کشاورزی است. (با اثبات سودآوری صادرات یک محصول کشاورزی، می خواهد نتیجه بگیرد که صادرات کل محصولات کشاورزی، بهترین راه حل است).

ب: دلیل اعم از مدعا: یعنی چیزی که از دلیل یا ادله فهمیده می شود مطلبی کلی است که مدعای مورد نظر تنها بخشی از آن را تشکیل می دهد و یا حالت خاصی از آن می باشد.

مانند جائی که فرد بخواهد با بیان خوب بودن یک اصل کلی، انجام آن اصل با فروع را نیز خوب و زیبا جلوه دهد.

• «با توجه به توصیه اسلام مبنی بر ولیمه دادن در عروسی و استطاعت مالی خانواده داماد، در شب مراسم باید ۵ نوع نوشیدنی، ۵ نوع سالاد و دسر سفارش بدهیم».

ج: دلیل یا ادله ارائه شده با نتیجه و مدعای مورد نظر بیگانه است.

- مثال: برای جلوگیری از تخلفات رانندگی، این طرح پیشنهاد خوبی است. زیرا می دانیم که تخلفات رانندگی اولاً باعث خسارت های جانی و مالی است، دوم اینکه پیامدهای بعدی آن برای متخلف و جامعه طاقت فرساست و ..... (معلوم نشد که چرا این طرح پیشنهاد خوبی است!!!)

## ۶. مغالطه مصادره به مطلوب

این مغالطه جایی است که شخص، نتیجه استدلالی را که باید اثبات کند اثبات شده فرض کند یا اینکه در مقدمات، از نتیجه ای که باید اثبات شود استفاده کند.

نوع اول مغالطه مصادره به مطلوب، از طریق کلمات و عبارات است. به این معنا که شخص نتیجه مطلوب خود را با عبارت پردازی و تفاوت در طرز بیان تکرار می کند و آن را به عنوان دلیلی بر مدعای خود جلوه می دهد.

- آزادی بیان به طور کامل، برای افراد یک کشور مفید است. زیرا این که همه مردم محدودیتی در ابراز احساسات و عواطف نداشته باشند و بتوانند آزادانه اعتقادات خود را بیان کنند، کاملاً به نفع جامعه است.

نوع دیگر این مغالطه این است که برای اثبات یک جزئی از یک حکم کلی استقرائی استفاده شود. اگر حکم مورد نظر استقرائی نباشد و از مجموع احکام افراد و مصادیق به دست نیاید، بلکه آن حکم کلی را از طریق دیگری کسب کرده باشیم، می توانیم از آن حکم کلی برای اثبات یک جزئی استفاده کنیم. (مثلاً وقتی به ما خبر بدهند که قرار است با یک گروه ده نفره عرب زبان ملاقات کنیم، می توانیم با دیدن هر کدام آنها حکم کنیم که او عربی سخن می گوید) اما اگر حکم مورد نظر از استقراء بدست آمده باشد، در واقع حکم از جزئی به کلی منتقل می شود و نمی توان از حکم کلی برای اثبات یک مورد جزئی استفاده کرد.

- نیتروژن سبک تر از هواست، زیرا نیتروژن یک گاز است و می دانیم که گازهای گوناگون از هوا سبک تر هستند.

(استدلال فوق مصادره به مطلوب است، زیرا برای حکم کردن به کلی «گازهای گوناگون از هوا سبک ترند» باید قبلاً ثابت شده باشد که نیتروژن هم سبک تر از هواست که این همان نتیجه و مطلوب است).

نوع دیگر مغالطه مصادره به مطلوب وقتی است که برای اثبات یک مدعا، ادعای صادقی را که از مدعای اول کلی تر و عام تر است دلیل بیاوریم، اما ثابت نکنیم که مدعای اول یکی از مصادیق و نمونه های ادعای دوم است.

- تو باید به او احترام بگذاری، زیرا افراد فاضل و دانا واقعا شایسته احترام هستند.

این مغالطه بیشتر به خاطر راه حل داشتن برای فرار از اعتراضات احتمالی دیگران است.

### ۷. مغالطه استدلال دوری

این استدلال نیز شکلی خاصی از مغالطه مصادره به مطلوب است. در این استدلال برای اثبات نتیجه از مقدمه ای استفاده می کنند که صحت آن مقدمه وابسته به صحت نتیجه است. به عبارت دیگر در استدلال دوری از مقدمه ای استفاده می شود که این مقدمه وقتی مورد وثوق است که نتیجه مورد در استدلال درست باشد.

- مانند: شما می توانید به من اعتماد کنید. من آقای مسعودی را به عنوان ضامن خودم قرار می دهم.

من که آقای مسعودی را نمی شناسم.

اشکالی ندارد، از جانب ایشان مطمئن باشید. او قابل اعتماد است.

مثال غربی ها برای این نمونه:

- ما خدا را بواسطه کتاب مقدس می شناسیم و البته می توان به کلام مقدس اعتماد کرد، چون کتاب مقدس از جانب خداوند وحی شده است.

### ۸. مغالطه تعمیم شتاب زده

«تعمیم شتاب زده» نوعی استقرای ناقص است که در آن، شخص از یک یا چند مثال و تجربه جزئی مطلبی را استنباط کرده و آن حکم را تعمیم می دهد. در حای که آن مثال برای بیان این حکم کلی بسیار کم هستند.

- استفاده و خرید و فروش مواد مخدر هیچ اشکالی ندارد، زیرا این مواد در بیماری ها و به ویژه تسکین درد مفید هستند.

- سعی کنید همسر خود را از میان خانم های خانه دار انتخاب کنید. زیرا من کسانی را می شناسم که همسرشان شاغل و یا مشغول تحصیل است و به همین دلیل مشکلات زیادی برایشان درست شده است.

### ۹. مغالطه آماری (۴)؛ نمونه ناکافی

این مغالطه، صورت فنی و تخصصی مغالطه قبل و مربوط به علم آمار است.

پایه و اساس آمار استنباطی «روش نمونه گیری» است که اتفاقاً منشأ بسیاری از مغالطات می شود.

فرض کنید که برای بدست آوردن تعداد لوبیای سفید و قرمز که در یک کیسه قرار دارد، یک مشت را به عنوان نمونه برداریم و با شمارش لوبیاهای سفید و قرمز در این نمونه، تعداد را به کل سرایت بدهیم. (کیسه لوبیها را اصطلاحاً جامعه آماری، و مشت مورد شمارش را «نمونه» می گویند).

در روش نمونه گیری باید نسبت «نمونه» به «جامعه آماری» حتما رعایت شود. اگر این نسبت رعایت نشود، احتمال خطا در نتیجه بسیار زیاد است.

آیا به راستی می توان با یک نمونه ۵۰ نفری در مورد اندازه قد یا حالات روانی و اعتقادی یک جامعه یک میلیونی قضاوت کرد؟

### ۱۰. مغالطه آماری (۵)؛ نمونه غیرتصادفی

در روش نمونه برداری برای بدست آوردن اطلاعات آماری، کافی بودن افراد نمونه اگر چه شرط لازم است اما کافی نیست. برای موفقیت شرایط دیگری نیز نیاز است. یکی از این شرایط، تصادفی بودن نمونه هاست.

مثال

در سال ۱۹۳۲ یک مؤسسه بزرگ نظر سنجی توانست نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را با دقت پیش بینی کند.

این مؤسسه در سال ۱۹۳۶ نیز دست به آمارگیری عظیمی زد. به ده میلیون نفر از مشترکان مجله «لیتری دایجست» زنگ زد و نظر خواهی کرد. نتیجه آن بود که لاندون کاندیدای حزب دموکرات پیشی خواهد گرفت.

اما برخلاف آن، روزولت رئیس جمهور آمریکا شد.....



کسی گمان نمی کرد که در یک نمونه برداری به این عظمت، چنین خطائی رخ می دهد....

تحقیقات و پایان نامه های زیادی به بررسی پرداختند و در نهایت .... معلوم شد که مشترکان زیادی در سال مذکور، از میان جامعه ی سرمایه دار و طرفداران حزب جمهوری خواه بودند که حق اشتراک تلفن و مجله را داشتند و آنها کسانی بودند که نمونه برای جامعه آماری قرار گرفتند.

### ۱۱. مغالطه آماری (۶)؛ عدم واقع نمائی نمونه ها

اگر سعی کنیم که نمونه آماری کافی و غیر تصادفی باشد، باز هم احتمال خطا را نمی توان نادیده گرفت.

مثال: پرسش نامه ای در حد وسیع بین مردم شهری توزیع شد که «اعضای خانواده شما بیشتر چه مجله ای را می خوانند؟» بعد از نظر سنجی آمارها نشان داد که خوانندگان دو مجله الف و ب یکسان هستند. در حالی که مجله الف بسیار علمی و وزین بود و مجله ب سطحی و سبک.

آمار انتشار و خرید مجله ها نشان می داد که مجله ب فروش بسیار بالاتری نسبت به مجله الف دارد. متخصصان بعد از کاوش در این مسأله به این رسیدند که بسیاری از افراد مشارکت داده شده در نظر سنجی، به خاطر علل روانی همچون عقده خودبزرگ بینی و ... واقعیت را نگفته بودند و آنها خواننده مجله ب بودند.

نکته

برخی از مردم عادت دارند به خاطر دوری از مالیات دولت و احتیاط کاری های دیگر از گفتن دقیق اموال و دارائی خود خودداری کنند.

### ۱۲. مغالطه تمثیل

منطق دانان، اقسام استدلال را که در آن ذهن از قضایای معلوم به قضیه ای مجهول می رسد به حصر عقلی سه قسم دانسته اند:

قیاس «سیر از کلی به جزئی»، استقراء «سیر از جزئی به کلی»، تمثیل «سیر از جزئی به جزئی».

تنها استدلالی که نتیجه آن قطعی و ضروری است، قیاس است.

تمثیل در ادبیات کاربرد فراوانی دارد و در مباحث فلسفی و عقلی نیز کمک شایان توجهی در فهم بهتر مسائل دارد. مانند تمثیل وجود به نور در مباحث تشکیک وجود.

مغالطه تمثیل وقتی صورت می گیرد که ما میان دو شیء تشابهی برقرار کنیم و از وجود این تشابه نتیجه ای بگیریم که این نتیجه در واقع نمی تواند برآیند منطقی این تشابه باشد.

مثال: بین زمین و دیگر سیارات منظومه شمسی مشابهت های زیادی وجود دارد. همگی نور خود را از خورشید می گیرند و برخی از آنها نیز دارای حرکت وضعی و در نتیجه دارا بودن روز و شب هستند و .... پس آن سیارات نیز مانند زمین دارای موجودات زنده هستند!!!

### ساختار اصلی تمثیل

شیء الف دارای اوصاف ۱ و ۲ و ۳ و ۴ است.

شیء ب دارای اوصاف ۱ و ۲ و ۳ است.

بنابراین شیء ب، دارای وصف ۴ نیز می باشد.

از دیگر مثال های مغالطه تمثیل...

تمثیل فرهنگ و تمدن ها به گیاهانی که بعد از دوران بذر و جوانه و نهال و .... در نهایت پژمرده شده و از بین می روند.

یا استفاده از تمثیل فرد برای رد نظر او:

- تو باید این طور فکر کنی که این دو برادر مثل سیبی هستند که از وسط نصف شده اند. پس نباید بین آنها فرق بگذاری.
- بله؛ حق با شماست. اما گاهی یک نیمه سیب کرم خورده است.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

### تمرین

مغالطات زیر را به دقت بخوانید و بنویسید چه مغالطه ای هستند؟

۱. نمایندگان: آقای وزیر! شما که ماشین داشتید. چرا دوباره برای ماشین دولتی ثبت نام کردید؟  
وزیر: مگر شما هم خانه نداشتید و دوباره برای گرفتن خانه ثبت نام کردید؟
۲. میل دارید با ما به گردش بیایید؟ جواب: مزاحمتان نمی شوم.
۳. کسی با تو دشمنی می کند. اما تو توطئه های او را خنثی خواهی کرد.
۴. جان هیک فیلسوف دین مسیحی است. ابهام ساختاری.
۵. رستم شیر است و شیر در بیشه زندگی می کند. پس رستم در بیشه زندگی می کند.
۶. انسان بشر است و بشر خندان. پس انسان خندان است. (مصادره به مطلوب).
۷. اگر برف بیارد هوا سرد می شود. هوا سرد است. پس برف آمده است.
۸. چادر یک پوشش قدیمی است. آیا بهتر نیست از لباس های امروزی تر استفاده کنیم؟ سنت گریزی.
۹. همزمان با فوت این فرد باران بارید. معلوم می شود که وجود او مانع نزول برکت بود.
۱۰. شبکه های اجتماعی از جدیدترین ابزار تبادل اطلاعات است که می تواند جایگزین رفت و آمدهای پرهزینه قدیم شود.
۱۱. آمریکا ثروتمندترین کشور دنیاست. پس چطور می توان باور کرد که مردم فقیر هم در آنجا وجود داشته باشند! (مغالطه تقسیم)
۱۲. احکام پوشش در اسلام و حفظ حریم بین زن و مرد، باعث عدم شناخت نسبت به جنس مخالف و افزایش آمار طلاق شده است. (علت جعلی).
۱۳. استفاده از روش بانکداری الکترونیک باعث بیکاری هزاران نفر شده و در رایانه نیز احتمال خطا وجود دارد. پس نمی تواند تکنولوژی خوبی برای جامعه باشد. (بهانه).
۱۴. نویسنده این کتاب در دوران شاهنشاه از مدیران دستگاه بود و در دانشگاه تهران فلسفه تدریس می کرد. چگونه می توان به کتاب چنین فردی استناد کرد؟
۱۵. رسانه های صوتی و تصویری ساخته مخترعان کافر و غفلت زده ای است که بیماری غفلت، آنها را وادار به ساختن وسیله ای برای سرگرمی مردم کرد.
۱۶. اسلام دین کشتار است. زیرا در قرآن بارها کلمه «قتل» تکرار شده است. (مغالطه پهلوان پنبه). (جواب: در بسیاری از این موارد کلمه قتل با واژه «لا تقتل» است. یعنی نکشید. و آنجائی که هم که امر به کشتن نموده مربوط به میدان جنگ است و ...)
۱۷. اگر بخواهیم شرابخوار را شلاق بزنیم، بدنش ضربه می بیند. (مثل اینکه بگوید: جریمه کردن متخلفان رانندگی برایشان از نظر اقتصادی ضرر دارد پس جریمه نشوند).

۱۸. تنها حامیان فاشیسم هستند که به دنبال مبارزه و جهاد می گردند.
۱۹. تکثر و تنوع شبکه های صدا و سیما، باعث غفلت مردم از نماز شده است. پس نباید شبکه ها را گسترش داد.
۲۰. سازمان مجاهدین خلق از موفق ترین نهادهای بین المللی است که تاکنون تلاش های فراوانی در زمینه حقوق بشر انجام داده است.
- مثل کشتار ۱۷۰۰۰ نفر از جوانان و کودکان بی گناه!!!
- بگذارید واژه حقوق بشر را بیشتر توضیح بدهم. این واژه از دو واژه حقوق و بشر تشکیل شده است. حقوق از ماده حق و عربی و بشر کلمه ای فارسی است. چه ترکیب زیبایی و ....
۲۱. آتش در کشتی و کشتی در آب است. پس آتش در آب است.
۲۲. شراب از انگور است و هیچ انگوری مسکر نیست. پس شراب مسکر نیست.
۲۳. بارها او را در دادگاه خانواده دیدم. پس او با همسرش اختلاف دارد. قیاس مضمهر مردود
۲۴. محمود به استاد علاقه دارد و به او احترام می گذارد. پس محمود هم پیش استاد عزیز و محترم است. خلط نسبت.
۲۵. با ظهور انقلاب اسلامی، جنگ های زیادی در منطقه آغاز شده است. پس این انقلاب علت شعله ور شدن آتش در منطقه است. (مغالطه علت شمردن امر مقارن، چرا فرد به گرایش فراوان به اسلام و شیعه، شکستن هیمنه استکبار و پیروزی های ملت های مسلمان و ... اشاره نمی کند؟؟؟).
۲۶. اگر به راستی باید در کلاس ها حضور و غیاب باشد، چرا قدیمی ها در کلاس هایشان چنین کاری انجام نمی دادند؟ مغالطه عدم سابقه.
۲۷. او از کارکنان باشگاه پرسپولیس است. پس حتما آدم مهمی است. مغالطه تقسیم.
۲۸. این فیلم پرفروش ترین فیلم سال بوده است. پس قطعاً فیلم خوبی است. (توسل به اکثریت).
۲۹. این فرد از سرمایه داران بزرگ آمریکائی است که چنین ایده ای را مطرح کرده است. پس قطعاً ایده درستی است. (مغالطه برتری ثروت).
۳۰. این فرد هیچ ماشین و خانه ای از خود ندارد. در جنوب شهر به دنیا آمده است و همانجا درس خوانده است. از بورسیه تحصیلی استفاده نکرد و به زندگی فقیرانه قانع بود. سخنان چنین فردی نمی تواند دروغ باشد.
۳۱. بارها او را در دادگاه بخش مواد مخدر نیروی انتظامی دیدم. پس او معتاد است.

۳۲. در دانشگاه محل تدریس او، سه رشته عمران، برق و نرم افزار وجود دارد. پس معلوم است او سه رشته بلد است.

۳۳. او از کارکنان باشگاه سپاهان است. پس حتما آدم مهمی است.

۳۴. اگر کمیته امداد کار درستی است، پس چرا زمان پیامبران ما تشکیلاتی به این نام نداشتیم؟

اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

کتاب معانیات